

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

جزوه کارگاه تربیت مربی برای تدریس مهدویت

جواد جعفری

مهر ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليك
يا قاضٍ المحمدي

ضرورت و ظرفیت مباحث مهدویت

ثمره دانستن ضرورت و ظرفیت

- ایجاد انگیزه و نشاط لازم برای پی گیری بحث
- درک میزان لازم صرف هزینه برای به دست آوردن بحث

ابعاد ضرورت و ظرفیت مباحث مهدویت

۱. بعد معرفتی ۲. بعد فرهنگی ۳. بعد اجتماعی ۴. بعد سیاسی

۱. بعد معرفتی

امامت

- اصول دین (شناخت، یک تکلیف الهی است)

○ کافی، ج ۲، ص ۴۱۴، حدیث ۱: عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ مَا أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا وَ أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ كَافِرًا وَ أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ ضَالًّا فَقَالَ لَهُ قَدْ سَأَلْتُ فَأَفْهَمَ الْجَوَابَ أَمَا أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا أَنْ يُعْرِفَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَفْسَهُ فَيَقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ وَ يُعْرِفَهُ نَبِيَّهُ ﷺ فَيَقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ وَ يُعْرِفَهُ إِمَامَهُ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ فَيَقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ قُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنُّ جَهْلَ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ إِلَّا مَا وَصَفْتَ قَالَ نَعَمْ إِذَا أَمَرَ أَطَاعَ وَ إِذَا نُهِىَ انْتَهَى وَ أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ كَافِرًا مَنْ زَعَمَ أَنَّ شَيْئًا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِهِ وَ نَصَبَهُ دِينًا يَتَوَلَّى عَلَيْهِ وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ يَعْبُدُ الَّذِي أَمَرَ بِهِ وَ إِنَّمَا يَعْبُدُ الشَّيْطَانَ وَ أَذْنِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ ضَالًّا أَنْ لَا يَعْرِفَ حُجَّةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ شَاهِدَهُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَلَايَتَهُ؛ سليم بن قيس گوید: شنیدم امام علی علیه السلام می فرمود: هنگامی که مردی نزد آن حضرت آمده بود و به او عرض کرد: کمتر چیزی که بنده به سبب آن مؤمن شود چیست؟ و کمتر چیزی که بنده به وسیله آن کافر گردد چیست؟ و کمتر چیزی که بنده با آن گمراه است چیست؟ حضرت فرمود: پرسیدی پس پاسخ را دریاب. اما کمتر چیزی که بنده بدان مؤمن است آن است که خدای تبارک و تعالی خودش را به آن بنده بشناساند پس (آن بنده) به

فرمانبرداری برای او اقرار کند، و (سپس) پیغمبرش ﷺ را به او بشناساند پس به فرمانبرداری او نیز اقرار کند، و امام و حجت خود را در زمین، و گواهی را بر خلق به او معرفی کند، و برای او هم به فرمانبرداری اعتراف کند، (سلیم گوید): من عرض کردم: ای امیر مؤمنان هر چند هیچ چیز را به جز آنچه بیان فرمودی نداند؟ فرمود: آری در صورتی که هر گاه دستوری باو دهند اطاعت کند، و اگر نهی‌ش کردند نکنند. و کمتر چیزی که بنده به سبب آن کافر گردد آن است که چیزی را که خدا از آن نهی کرده است پندارد که خدا به آن دستور داده (یعنی بدعتی در دین گذارد) و دین خود قرار دهد و به آن باقی بماند، و پندارد که آن چه را خدا دستور داده پرستش می‌کند، (در حالی که) جز این نیست که شیطان را پرستش می‌کند. و کمتر چیزی که بنده به واسطه آن گمراه شود این است که حجت خدای تعالی و گواهی را بر بندگان نشناسد (یعنی) آن کس را که خدای عز و جل دستور به فرمان برداریش داده، و ولایتش را واجب فرموده است.

○ کافی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۱: عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسَعُ النَّاسَ إِلَّا مَعْرِفَتُنَا وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا - وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيَّ الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ماایم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر شناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که نشناسد و انکار هم نکند گمراهست تا زمانی که به سوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت واجب ماست برگردد.

• مهم‌ترین پایه اسلام (هویت شیعه - ارتباط زمین با آسمان)

○ کافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۱: عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و چنان که برای ولایت فریاد زده شده، برای هیچ چیزی دیگر فریاد زده نشد.

• شرط قبولی و روح اعمال

○ کافی، ج ۱، ص: ۱۴۳، ح ۴: عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ امام صادق عليه السلام در مورد قول خدای عز و جل «خدا را نامهای نیکوست او را به آنها بخوانید» فرمود: سوگند به خدا مائیم آن نامهای نیکو که خدا عملی را از بندگان نپذیرد مگر آنکه با معرفت ما باشد.

○ امالی مفید، ص: ۱۳، ح ۱: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الزَّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ يُحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ عبد الرحمن بن ابی لیلی از امام حسین عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کرده است که فرمود: پیوسته با دوستی ما اهل بیت همراه باشید، که هر کس خدا را ملاقات کند در حالی که ما را دوست داشته باشد به شفاعت ما داخل بهشت گردد، و سوگند به آن کس که جان من به دست قدرت اوست هیچ بنده‌ای از کار و کوشش خود بهره‌مند نگردد جز با معرفت و شناخت ما.

○ امالی شیخ طوسی ص ۶۹۴، ح ۲۱: عَنْ زُرَيْقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ وَ لَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ الصَّلَاةِ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ وَ فَاتِحَةَ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا وَ خَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا

○ بصائر الدرجات ص : ۵۳۱: فَإِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْعَمَلَ بِالْفَرَائِضِ الَّتِي افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيَّ خُدُودِهَا مَعَ مَعْرِفَةٍ مَنْ جَاءَهُمْ بِهِ مِنْ عِنْدِهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَيْهِ فَأَوَّلُ ذَلِكَ مَعْرِفَةُ مَنْ دَعَا إِلَيْهِ ثُمَّ طَاعَتُهُ فِيمَا يُقَرِّبُهُ بِمَنْ الطَّاعَةَ لَهُ.

امام زمان عليه السلام

● عقیده

○ ۱. شناخت خدا: علل الشرائع، ج ۱، ص: ۹، ح ۱: عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَيَّ أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةٍ مِنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی علیهما السلام به جمع یارانسان بیرون آمده و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم، حق - جل ذکره - بندگان را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند عبادتش می کنند و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز می گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم به فدای تو باد معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است بشناسند.

○ ۲. حیات علمی (تعیین هدف آفرینش انسان) کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۰۹، ح: ۹: أَبُو عَلِيٍّ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَأَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رَوَى عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ ابو علي بن همّام گوید: از محمد بن عثمان عمری - قدس الله روحه - شنیدم که می گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: من نزد امام عسکری علیه السلام بودم که از آن حضرت از خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است پرسش کردند که زمین از حجت الهی بر خلائق تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. فرمود: این حق است همچنان که روز روشن حق است. گفتند: ای فرزند رسول خدا حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: فرزندان محمد، او امام و حجت پس از من است، کسی که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است.

● عمل

○ ۱. عمل صحیح: الف) نتیجه بخش بودن عمل (دارای آثار مثبت)

ب) دوری از آسیبها (بدون آثار منفی)

○ ۲. ارزش یافتن عمل: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۹، ح ۱۸: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ شَهِيدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَجْرَ سَبْعِينَ أَلْفَ شَهِيدٍ مِمَّنْ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم عَلَيَّ حَقِيقَةً: امام صادق علیه السلام فرمودند: نوه من در خراسان در شهري به نام طوس به شهادت مي‌رسد، هر کس بزيارت او رود و بحق او عارف باشد (مقام او را بشناسد) روز قيامت من دست او را گرفته داخل بهشتش خواهم کرد، هر چند از اهل گناهان بزرگ باشد، گوید: عرض کردم فدایت شوم عرفان حق او چیست؟ فرمود: بداند که او امام واجب الطاعة است و بداند که او را شهید کرده‌اند، و هر کس با این شناخت او را زیارت کند، خداوند اجر هفتاد هزار شهید از شهدائي که براستي و حقيقت در پيش روي رسول خدا صلي الله عليه و آله کشته شده‌اند به او عطا خواهد فرمود.

○ ۳. موضع گیری صحیح

• دوران غیبت: در برابر جریان‌ها و حرکتهای مختلف بداند تا چه میزان می‌تواند درست باشد و می‌توان موافق بود و از چه حدی گذشت دروغ و غیر قابل قبول است و باید مخالفت کرد. (مدعی ارتباط با امام) کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴: تَوْقِيعَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ سَمَرِيٍّ: وَ سَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ؛ امام عصر عليه السلام: کسی سراغ شیعیان من می‌آید که ادعای مشاهده می‌کند بدانید هرکس قبل از قیام سفیانی و شنیده شدن ندای آسمانی ادعای مشاهده نماید، او دروغ‌گو و افترا زننده است. (تعیین کنندگان وقت ظهور) الإمامة و التبصرة، علی بن بابویه، ص ۹۵، حدیث ۸۷ عن ابي عبد الله عليه السلام: قَالَ يَا مَهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند ای مهزم تعیین کنندگان وقت دروغ گفتند و اهل عجله هلاک شدند و اهل تسلیم نجات یافتند.

• دوران ظهور: (کمک به یمانی) غیبت نعمانی، ص ۲۵۶، ح ۱۳: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: ... وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَأْيَهُ رَأْيُهُ هُدًى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَأَنَّهُ يَدْعُو إِلَيَّ الْحَقُّ وَ إِلَيَّ طَرِيقُ مُسْتَقِيمٍ؛ امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که یمانی قیام کرد به سوی او برخیز زیرا پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او روی بگرداند. پس کسی که این کار را انجام دهد از اهل آتش خواهد بود زیرا او به سوی حق و راه راست دعوت می کند.

• (پیروی نکردن از صیحه دوم) کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۶۵۲ ح ۱۳: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ صَوْتُ جِبْرِيلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ صَوْتُ إِبْلِيسَ مِنَ الْأَرْضِ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْآخِرَ أَنْ تَفْتِنُونَا بِهِ؛ امام صادق عليه السلام فرمود: صدای جبرئیل از آسمان است و صدای ابلیس از زمین پس از صوت اول پیروی کنید و مواظب باشید از گرفتار شدن در فتنه صوت دوم.

○ ۴. الگو برداری (اقتدا به امام در دوران غیبت، ایجاد سنخیت و هماهنگی برای بهره مندی از عنایت امام) کمال الدین و تمام النعمة ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۸۶، ح ۳: عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ يَبْرَأُ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أُولَئِكَ رُقُقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَىَّ. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کند در حالی که پیش از قیامش به او اقتدا کرده و از او امامان هدایت گر پیش از او پیروی کند و از دشمنان ایشان برائت جسته و به خدای تعالی پناه برد، آنان رفقای من و گرامی ترین امت من هستند.

○ ۵. اطاعت و یاری از امام: غیبت نعمانی، ص: ۳۱۷، ح ۱: أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که قائم خروج می کند کسی که خود را اهل این کار می دید از این

کار شانه خالی می کند و کسانی داخل این کار می شوند که به مانند خورشید پرست و ماه پرستند.

○ ع. محبت یافتن به امام و پیوند روحی با ایشان: سوره آل عمران آیه ۲۰۰: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و رابطه داشته باشید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۹، ح ۱۳: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ - اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ اصْبِرُوا عَلَيَّ أَذَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَذْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ؛ برید بن معاویه العجلی در باره این فرمایش خدای عز و جل که می فرماید: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: یعنی صبر کنید بر انجام واجبات الهی و پایداری کنید در برابر دشمنان و با امامتان که به انتظارش هستید در ارتباط باشید». نوع این ارتباط در دوران غیبت به ارتباط دیداری و به محضر امام رفتن نیست. مزار کبیر، ابن مشهدی، ص ۵۸۵: أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: شَكَوْتُ إِلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ شَوْقِي إِلَيَّ رُؤْيَا مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: ... لَا تَلْتَمِسْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْ تَرَاهُ، فَإِنَّ أَيَّامَ الْغَيْبَةِ تَشْتَاقُ إِلَيْهِ، وَ لَا تَسْأَلِ الْجَمْعَ مَعَهُ إِنَّهَا عَزَائِمُ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهَا أَوْلَى، وَ لَكِنْ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ؛ احمد بن ابراهیم گوید از شوق خود به دیدار مولایمان به محمد بن عثمان (نایب دوم) شکایت کردم در پاسخ فرمودند: در دوران غیبت اشتیاق به امام حاصل می شود اما درخواست اجتماع با امام (حضور در کنار امام) را نکن زیرا از حرام های الهی است و تسلیم بودن بهتر است ولی با زیارت به ایشان رونما و توجه کن.

۲. بعد فرهنگی

۱) برنامه ریزی فرهنگی و تعیین اهداف فرهنگی (طرحی برای برون رفت از وضع موجود)

- احیا کتاب و سنت
- نهضت علمی
- مبارزه با بدعت

۲) مقابله با تهاجم فرهنگی

• شناخت و مقابله با دشمن

○ در گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست، تلاش گروههای تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می شدند تا جاده استعمار را در آن جا صاف کنند، نشان داده شده بود... گزارشگر می نویسد: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد». گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می نویسد و برای هیأتی که مسؤول رسیدگی به این کارهاست، می فرستد. بنابراین، نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استعمار و استعمار شده بود. (از بیانات مقام

معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۷)

۳) فصل مشترکی برای تعامل و گفتگو با ادیان دیگر

۳. بعد اجتماعی

۱) ایجاد امید (فکری برای آینده)

مثبت: ماربین، مستشرق معروف آلمانی، در کتاب ((انقلاب بزرگ)) می گوید: ((از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده است، همانا اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور او است. حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضی مذهب بوده و شوکت و اقتدار قوت حکومت خود را در عالم نگاه خواهد داشت.)) (مجله انتظار، شماره دو، مقاله انتظار و انقلاب، رحیم کارگر، به نقل از بلخاری حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، انتشارات حُسن افزا)

منفی: آلون تافلر نویسنده کتاب موج سوم در کتاب به سوی تمدن جدید می گوید: فهرست مشکلاتی که جامعه ی ما (غرب) با آن روبروست، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به غرقاب بی کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می شود که همگی ادعا دارند بنیادی، حتی انقلابی اند. اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح ها و دستورالعمل های جدید که همگی به

منظور حل مشکلات تهیه شده اند کمانه می کنند و بر وخامت مشکلات می افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می زنند که هیچ فایده ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را هر چه بیشتر دامن می زند. (نگاهی دوباره به انتظار ص ۵۴)

۲) درک وظیفه (راهی برای رهایی)

- عدالت خواهی
- مبارزه با ظلم

۳) آسیب ناپذیری (حفظ سرمایه موجود)

کافی، ج ۱، ص: ۳۷۱، ح ۱: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرْكْ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛ امام صادق عليه السلام به زراره فرمود: امامت را بشناس زیرا اگر امامت را شناختی امر حکومت امام زود تحقق یابد یا به تأخیر افتد آسیبی به تو نمی زند

- مقابله با برداشت های انحرافی

○ غیبت (ملاقات گرایی، حذف امام از جامعه)

○ انتظار

○ تطبیق نشانه های ظهور

○ مدعیان دروغین

۴. بعد سیاسی

۱) قبل از تشکیل حکومت اسلامی

- حرکت های اصلاحی در جامعه

○ بنیانگذار جنبش اصلاح طلب موحدون در قرن دوازدهم، محمد بن تومرت (متوفای ۱۱۳۰ م)

مدعی شد که مهدی است و از نوادگان امام علی عليه السلام است. (مجله انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ مقاله

مهدی عليه السلام، رابرت، اس، کرامر، ترجمه: بهروز جندقی)

○ فهمی هویدی در «ایران من الدخل» نیز کلید فهم انقلاب اسلامی ایران را در واژه‌هایی مانند ولایت فقیه، مرجعیت، تشیع، امام غایب، غیبت کبری و غیبت صغری می‌داند. (مجله انتظار، شماره دو، مقاله انتظار و انقلاب، رحیم کارگر، به نقل از بلخاری حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، انتشارات حُسن افزا)

• مبارزه با استعمار

○ قیام تحت عنوان مهدویت علیه امپریالیسم اروپا امری تقریباً عادی بود که برای مثال در هند، الجزایر، سنگال، غنا، و نیجریه رخ داد. آنچه در تمام این نهضت‌ها مشترک بود، این تصور بود که فساد، آرمان‌های اسلامی را در بر گرفته است و سلطه سیاسی و فرهنگی غرب نابکارانه [در میان مسلمین] نفوذ کرده است. ... انتقاد شیعه از "نظم نوین جهانی" به رهبری امریکا نیز با واژه‌های مربوط به مهدویت عنوان شده است. با توجه به قدرت برانگیزنده مهدویت و شرایط انعطاف‌پذیر ظهور مهدی، می‌توان انتظار داشت هر جا که تصور شود منافع اسلام در خطر است، ادعای مهدویت مطرح گردد. (مجله انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ مقاله مهدی علیه السلام، رابرت، اس، کرامر، ترجمه: بهروز جندقی)

(۲) بعد از تشکیل حکومت اسلامی

• سیاست داخلی (ولایت فقیه)

○ فَوَرَدَتْ فِي التَّوْقِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُؤَاةَ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۸۳، ح ۴) در نامه‌ای که به خط مولایمان امام زمان علیه السلام است آمده: ... و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند من نیز حجّت خدا بر آنها هستم.

• سیاست خارجی (شناسائی و برنامه ریزی برای کشورهای دوست و دشمن)

منابع:

۱. فطرت آباد یاسر آیین
۲. با جاری انتظار سید مسعود پور سید آقایی

۳. شناخت زندگی بخش اسماعیل شفیعی سروستانی

۴. خورشید مغرب محمد رضا حکیمی

۵. استراتژی انتظار شفیعی سروستانی

دلیل‌های عقلی وجود امام حجت بن الحسن علیه السلام

مقدمه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وعده ظهور مهدی موعود علیه السلام را داده است.

بنابراین اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام و ظهور ایشان در آخر الزمان عقیده‌ای مشترک میان تمام مسلمانان است.

اختلاف میان شیعه و سنی در وجود مهدی موعود علیه السلام است.

بیشتر اهل تسنن اعتقادی به وجود ایشان در حال حاضر ندارند و معتقدند در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد.

ما شیعیان معتقدیم امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمده است.

برای اثبات اعتقادمان، دلیل‌های عقلی وجود امام حجت بن الحسن العسکری علیه السلام بیان می‌شود.

جایگاه بحث از امامت بعد از پذیرش توحید و نبوت است.

عقل تنها مُدرک کلیات است. لذا در جزئیات و مصادیق خارجی توان حکم کردن ندارد.

برای مثال عقل می‌تواند به طور کلی حکم کند زوایای داخلی هر مثلث ۱۸۰ درجه است اما نمی‌تواند حکم کند زوایای

داخلی این مثلث مشخص خارجی ۱۸۰ درجه است.

انواع برهان‌ها

برهان‌های ارائه شده دو نوع کلی است.

الف) برهان‌های کلامی

ب) برهان‌های فلسفی - عرفانی

برهان‌های کلامی

برهان‌های کلامی نگاه به عالم تشریع و بُعد اجتماعی و ظاهری امام دارند و عبارت‌اند از برهان لطف، کارشناس دین،

فطرت، عنایت (هدایت عامه)

برهان‌های فلسفی - عرفانی نگاه به عالم تکوین و بعد وجودی و باطنی امام دارد و عبارت‌اند از برهان علت غایی، واسطه فیض، امکان اشرف، مظهر جامع، تجلی اعظم، تقابل قطبین

منابع کلی بحث

۱. دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت رحیم لطیفی
۲. پژوهشی عقلی درباره حضرت مهدی روح الله شاکری
۳. موعود شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
۴. علی و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

برهان لطف (کلامی)

معنای لغوی لطف:

الف) لَطْفٌ يَلْطُفُ؛ ظرافت و دقت

ب) لَطْفٌ يَلْطُفُ؛ رفق و مدارا (معنای مورد بحث)

معنای اصطلاحی لطف (اقسام لطف):

الف) محصل (حاصل کننده و ممکن کننده تکلیف)

ب) مقرب (نزدیک کننده و آسان کننده تکلیف)

توضیح برهان لطف

۱. خداوند انسان را مختار آفریده است پس می‌تواند به کمال برسد.
۲. انسان برای رسیده به کمال باید راه آن را بداند.
۳. عقل انسان به تنهایی از درک راه کمال عاجز است.
۴. خداوند چون حکیم است حتماً این راه را بیان کرده است چون اگر بیان نکرده باشد نقض غرض (از بین بردن هدف) پیش می‌آید و نقض غرض ناپسند است و از حکیم صادر نمی‌شود.

۵. بیان راه تکامل که إِرائة الطريق است لطف محصل نام دارد و منظور ایجاد زمینه‌هایی است با وجود آنها انجام تکلیف ممکن می‌شود و هدف از آفرینش لغو و بیهوده نمی‌گردد.

۶. خداوند إِرائة الطريق را با ارسال رسل و انزال کتب انجام می‌دهد.

۷. اکثر مردم به صرف نشان دادن راه، حرکت نمی‌کنند زیرا عمل کردن دشواری‌های فراوانی دارد.

۸. برای آن که نقض غرض نشود لازم است خداوند حکیم زمینه را برای آسان شدن تکلیف فراهم نماید.

۹. کارهایی که خداوند در این راستا انجام می‌دهد لطف مقرب یا ایصال إلى المطلوب نام دارد. یعنی لطفی که انسان را به ترک گناه و انجام واجبات نزدیک می‌کند (آسان می‌کند).

۱۰. خداوند این کار را با وعده و وعید (رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ نساء ۱۶۵) امر به معروف و نهی از منکر (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ توبه ۷۱) و لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ أَلْ عَمْرَانِ)، شهادت و گرفتاری (أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ اعراف ۹۴) بَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ اعراف ۱۶۸) و ... انجام می‌دهد.

۱۱. مهمترین لطف در این راستا قرار دادن امام برای مردم در هر دوران است.

نتیجه: وجود امام از باب لطف مقرب در هر زمانی لازم است.

مثالی محسوس برای برهان لطف

۱. شخص مهربان و حکیمی افراد زیادی را به یک میهمان دعوت می‌کند.

۲. برای این کار کارت دعوتی که آدرس (راه رسیدن) میهمانی در آن نوشته شده می‌فرستد. (ارسال رُسُل و انزال کُتُب)

۳. اما صاحب خانه می‌داند به دلیل سختی راه، وجود جاذبه‌ها و دشمنان و جاهلان بین راه، افراد بسیار کمی می‌توانند این راه را طی کرده و در میهمانی حاضر شوند.

۴. صاحب خانه چون مهربان و حکیم است باید کاری کند تا تعداد میهمانان حاضر افزایش یابد.

۵. بهترین کار فرستادن راهنما برای آنها است. پس حکیم بودن او بر او لازم می‌دارد که این کار را انجام دهد.

این مثال در کتاب‌های قواعد المرام، شیخ میثم بحرانی و اوائل المقالات، شیخ مفید آمده است.

یک سؤال مهم (حکمت و غیبت)

لطف چگونه با غیبت سازگار است؟

پاسخ: الف - امام تنها نقش ظاهری ندارد: قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عليه السلام فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ.

ب - بسط ید و توان اجرایی امام، لطفی غیر از لطف اصل وجود امام است: خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد می گوید: وجوده لطف و تصرفه آخر و عدمه منا.

منابع برهان لطف

۱. الهیات آیت الله جعفر سبحانی ج ۱ ص ۵۰۵ و ج ۲ ص ۴۸

۲. الذخيرة في علم الکلام سید مرتضی ص ۱۸۹

۳. کشف المراد علامه حلی ص ۳۲۴

۴. انیس الموحدين محمد مهدی نراقی بخش امامت

۵. بداية المعارف آیت الله خرازی ج ۲ ص ۲۷

۶. شيعه در اسلام علامه طباطبائی ص ۱۷۵

۷. امامت و رهبری شهید مطهری ص ۵۰

۸. پیرامون وحی و رهبری آیت الله جوادی آملی ص ۱۱۴

برهان لزوم کارشناس دین (کلامی)

توضیح برهان کارشناس دین:

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دوران رسالت خود چند مسؤولیت مهم داشت: ۱. شرح و تفسیر آیات الهی ۲. بیان احکام الهی ۳.

پاسخ گویی به سؤالات و شبهات ۴. حفظ دین از تحریف

۲. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در ۲۳ سال دوران ابلاغ رسالت: ۱. فرصت تبیین همه جزئیات و شرح لازم را نیافت. ۲. توانایی درک

همه مسائل در مردم نبود. ۳. برخی از مسائل هنوز مورد ابتلای مردم واقع نشده بود.

۳. این مسؤولیت ها بعد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه وضعی دارد؟

۱. رها شده است. (از حکیم محال است چون نقض غرض است)

۲. به مردم واگذار شده است. (محال است زیرا باعث تفرقه می شود)

۳. به شخص خاص و معینی به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده است.

نتیجه: همیشه کسی به عنوان کارشناس دین که جانشین پیامبر ﷺ است، وجود دارد.

منبع

الهیات، آیت الله سبحانی

برهان واسطه فیض (فلسفی-عرفانی)

معنای فیض

در لغت: فزونی، فوران، سرریز و جاری شدن است.

در اصطلاح فلسفه: به معنای وجود دادن خداوند است.

در اصطلاح عرفان: به معنای تجلی کردن خداوند است.

معنای واسطه فیض

الف. هدف آفرینش: خداوند به خاطر او می‌آفریند. این معنا از واسطه فیض به برهان غایت برمی‌گردد که جداگانه مطرح می‌شود.

ب. مجرای آفرینش: یعنی فیض‌ها و کمالات را از خداوند می‌گیرد و به مخلوقات می‌رساند.
منظور از واسطه فیض در این بحث، معنای دوم است.

توضیح برهان واسطه فیض

۱. خداوند تنها خالق و آفریننده تمام مخلوقات است.

۲. خداوند جهان، مخلوقات را بر پایه‌ی علت و معلول و عالم اسباب بنا نهاده است. و این علامت ضعف و کاستی فاعل نیست بلکه دلیل عدم قابلیت دریافت کننده است. آیاتی که واسطه بودن در خلقت را بیان می‌کنند بر این امر دلالت دارند:
(فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا نَازِعَاتِ ۵) (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً بَقَرَه ۳۰) (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ مَائِدَه ۳۵)

۳. بنا به قاعده لزوم سنخیت بین علت و معلول باید بین علت بسیار قوی و معلول بسیار ضعیف، واسطه‌ای موجود باشد.

مثال قرآنی

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ سورة اعراف آیه

۱۴۳

کلام بزرگان

حکیم سبزواری: دو چیزی که میانشان نهایت جدایی و دوری در رفعت و دنائت است ناچار از رابطه است که واسطه اثر عالی به سافل باشد. (اسرارالحکم ص ۸۳)

علامه مجلسی: لما كنا في غايه البعد عن جانب قدسه تعالى و حریم ملکوته و ما كنا مرتبطین بساحه عزه و جبروته فلا بد ان يكون بيننا و بين ربنا سفراء و حجه ذو جهات قدسيه و حالات بشريه يكون لهم بالجهات الاولى ارتباط الاعلى ياخذون عنه... و يكون لهم بالجهات الثانيه مشابهه للخلق (شرح باب حادی عشر ص ۶۸)

۴. چون آفرینش همیشه ادامه دارد معلوم می شود واسطه فیض همیشه موجود است.

۵. واسطه بین خداوند و سایر مخلوقات نزد فلاسفه عقل است و نزد عرفا وجود منبسط است.

ملاصدرا: همگان متفقند که اولین فعل و اثر صادر از حق تعالی، موجودی پاک و منزّه از همه حدود عدمیه است؛ مگر حدی که لازمه معلولیت اوست حال اگر آن حد را که لازمه مجعولیت است عبارت از دارای ماهیت دانستیم صادر اول عقل بوده و اگر صرف تعلق و وابستگی دانستیم وجود منبسط است (شرح مقدمه قیصری ص ۱۶۰)

در متون دینی صادر اول با عناوین (مشیت، نور، عقل، قلم، نور پیامبر ﷺ و علی علیّه السلام) آمده است.

۶. عرفا و فلاسفه صادر اول را به مقام محمدیه و علویه تطبیق و تفسیر کرده اند؛ روایات نیز این حقیقت را می رساند و برتری اهل بیت علیهم السلام را بر همه موجودات می رساند.

۷. صادر اول و واسطه بین خداوند و سایر مخلوقات در عالم نور و ملکوت که نشئه وحدت است به صورت یک واقعیت و نور واحد است (حقیقت نوریه محمدیه) و در این نشئه که جهان کثرت است به صورت چهارده شخص بروز و ظهور یافته است. (ادب فنای مقربان، ج ۲، ص ۱۴۴)

منابع برهان واسطه فیض

۱. اسرار الحکم، ملاهادی سبزواری، ص ۴۹۱

۲. مقدمه تمهید القواعد، سید جلال الدین آشتیانی

۳. شرح مقدمه قیصری، سید جلال الدین آشتیانی

۴. مصباح الهدایه، امام خمینی

۵. مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری

۶. ادب فنای مقربان، آیت الله جوادی آملی ج ۱ ص ۲۰۲ و ج ۲، ص ۱۴۴

۷. بررسی مسائل کلی امامت، ابراهیم امینی

برهان علت غایی (هدف آفرینش)

۱. خداوند چون حکیم است در آفرینش خود هدفمند است.

۲. هدف از آفرینش همه عالم، انسان است. وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.

۳. هدف از آفرینش انسان عبد شدن او به تمام معنا است. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

۴. پس هدف آفرینش، معبود واقع شدن خداوند است.

۵. این هدف را به معنای واقعی تنها انسان کامل تأمین می کند. امام صادق علیه السلام: وَ بَعَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبْدَ اللَّهُ^۱

۶. پس باید همیشه انسان کامل با بدن خاکی روی زمین خاکی موجود باشد تا هدف خلقت تأمین گردد و خداوند به زمین و عالم عنصر وجود دهد.

۷. چون اینک آفرینش عالم عنصر ادامه دارد معلوم می شود انسان کامل وجود دارد.

۸. پس اینک انسان کامل که هدف الهی را تأمین می کند وجود دارد.

برهان سبر و تقسیم

از این برهان برای یافتن مصداق و مورد حکم کلی که برهان های عقلی ثابت کردند استفاده می شود.

برهان های یاد شده ویژگی هایی را برای امام ثابت می کند.

باید بررسی شود که شخصی با این ویژگی ها نزد کدام گروه است.

این شخص نزد غیر مسلمانان نیست زیرا آنها خود از دایره هدایت خارج هستند

در میان مسلمانان نیز اهل تسنن اعتقاد به چنین امامی ندارند و امام را تنها مجری قوانین اجتماعی می دانند.

^۱. کافی ۱، ص ۱۴۴، ح ۵

در میان شیعیان نیز در زمان حاضر سه گروه وجود دارد.

۱. زیدیه: کسانی که بعد از امام حسین علیه السلام به امامت زید فرزند امام سجاد علیه السلام معتقد شدند.

این گروه نمی‌تواند بر حق باشد. زیرا اولاً زید هرگز ادعای امامت نکرده است. ثانیاً وی معصوم نبوده است. ثالثاً روایتی بر امامت ایشان وجود ندارد.

۲. اسماعیلیه: کسانی که بعد از امام صادق علیه السلام به امامت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام معتقد شدند.

این گروه نیز نمی‌تواند بر حق باشد. زیرا اولاً اسماعیل هرگز ادعای امامت نکرده است. ثانیاً وی معصوم نبوده است. ثالثاً روایتی بر امامت ایشان وجود ندارد.

۳. امامیه: کسانی که بعد از امام حسن عسکری علیه السلام به امامت فرزند ایشان حضرت حجت و علیهما السلام معتقد شدند.

دلیل بر حق بودن این گروه: اولاً دلیل‌های امامت ایشان. ثانیاً دلیل‌های تولد ایشان. ثالثاً دلیل‌های طول عمر ایشان.

نتیجه نهایی

شخصی که برهان‌هایی عقلی می‌گوید در هر زمانی باید وجود داشته باشد در زمان حاضر حضرت حجت بن الحسن علیهما السلام است.

انواع دلیل‌های نقلی

۱. آیات قرآن

۲. روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم

۱. آیات قرآن

آیه اول: آیه فرود آمدن ملائکه:

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ^۱

ترجمه: در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند

الف) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلُجُوا فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لَحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَغَايَةُ عِلْمِنَا يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِ«حَمِّ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ

مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ» فَإِنَّهَا لَوَلَاءَةُ الْأَمْرِ خَاصَّةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم.^۲

ترجمه: امام محمد تقی علیه السلام فرمود: ای گروه شیعه! با سوره «انا انزلناه» (با اهل سنت) مخاصمه و مباحثه کنید تا

پیروز شوید، به خدا که آن سوره پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، حجت خدا بر مردم است و آن سوره سرور دین شماسست (بزرگترین دلیل

مذهب شماسست) و نهایت دانش ماست (زیرا کاشف از شب قدر است و در آن شب مکنونات علمی برای ما هویدا می‌گردد) ای

گروه شیعه با آیات «حَمِّ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ» مخاصمه کنید، زیرا این آیات مخصوص

والیان امر امامت است بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم.

ب) مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ

۱. سوره قدر، آیه ۴

۲. کافی ج: ۱ ص: ۲۴۹ ح ۶

إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَلاَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلَيْبِ
أَيُّمَّةٌ مُحَدَّثُونَ^١

ترجمه: ابو جعفر ثاني (امام جواد) عليه السلام فرمود: امير المؤمنين عليه السلام به ابن عباس فرمود: همانا شب قدر در هر
سالي هست و در آن شب، امر (سرنوشت و قضا و قدر) آن سال فرود مي آيد و براي آن امر سرپرستاني است بعد از رسول خدا
صلي الله عليه و آله. ابن عباس گفت: آنها كياند؟ فرمود: من هستم و يازده تن از فرزندان صليبي من كه امامان مُحَدَّث باشند.

آیه دوم: آیه دعوت در قیامت

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ^٢

ترجمه: [ياد کن] روزي را كه هر گروهي را با پيشوايشان فرا مي خوانيم.

الف) عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ
الْبَطَلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ. قَالَ: إِمَامِهِمُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ وَ هُوَ
قَائِمُ أَهْلِ زَمَانِهِ.^٣

عبد الله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مقصود از این آیه چیست؟ «روزي كه هر مردمي را به
امامشان خوانيم» فرمود: مقصود امامي است كه در ميان آنهاست و او قائم اهل زمان خویش است

ب) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ. قَالَ الْمُسْلِمُونَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ؟ قَالَ: فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُومُونَ فِي
النَّاسِ.^٤

١ . کافی ج : ١ ص ٥٣٢ ح ١١

٢ . سورة إسرائ آیه ٧١

٣ . کافی ج ١ ص ٥٣٦ ح ٣

٤ . کافی ج ١ ص ٢١٦ ح ١

امام باقر علیه السلام فرمود: چون آیه «روزي که هر دسته از مردم را به امامشان خوانیم» نازل شد، مسلمین عرض کردند: اي فرستاده خدا! مگر شما امام همه مردم نیستید؟ پیغمبر ﷺ فرمود: من از جانب خدا بسوي همه مردم فرستاده شده‌ام ولي بعد از من اماماني از خاندانم بر مردم منصوب شوند، ایشان در میان مردم قیام کنند.

آیه سوم: آیه انذار و هدایت

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

ترجمه: [اي پیامبر،] تو فقط هشداردهنده‌اي، و براي هر قومي رهبري است.

الف) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ وَفَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ الْفَضِيلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ.^۱

ترجمه: فضیل گوید از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عز و جل «و هر گروهی را رهبریت» پرسیدم، فرمود: هر امامی، رهبر دورانی است که او در میان مردم است (رهبر مردم دوران خویش است).

ب) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَيَّ مَا جَاءَ بِهِ - نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ.^۲

ترجمه: برید عجلای گوید از امام باقر علیه السلام در باره قول خدای عز و جل «همانا تو بیم دهنده‌ای و برای هر گروهی رهبریت» پرسیدم. فرمود: رسول خدا ﷺ بیم دهنده است و در هر زمانی یکی از ما اهل بیت رهبریت که مردم را به آنچه پیغمبر از طرف خدا آورده رهبری کند، رهبران بعد از پیغمبر ﷺ اول علی علیه السلام است و پس از او اوصیایش یکی پس از دیگری.

آیه چهارم: آیه بشارت و انذار

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ.^۳

۱. سورة رعد، آیه ۷

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۱ ح ۱

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲

۴. سورة فاطر، آیه ۲۴

ترجمه: ما ترا به حق بشارت دهنده و بیم‌رسان فرستادیم و هیچ امتی نیست مگر بیم‌رسانی در آن بوده.

و عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَ إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ قِيلَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ نَذِيرُهَا مُحَمَّدٌ ص قَالَ صَدَقْتَ فَهَلْ كَانَ نَذِيرٌ وَ هُوَ حَى مِنْ الْبُعْثَةِ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ فَقَالَ السَّائِلُ لَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرَأَيْتَ بَعِثَهُ أَلَيْسَ نَذِيرُهُ كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي بَعْثَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَذِيرٌ فَقَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ لَمْ يَمُتْ مُحَمَّدٌ إِلَّا وَ لَهُ بُعِثَ نَذِيرٌ قَالَ فَإِنْ قُلْتُ لَا فَقَدْ ضَيَّعَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِهِ قَالَ وَ مَا يَكْفِيهِمُ الْقُرْآنُ قَالَ بَلَى إِنْ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّراً قَالَ وَ مَا فَسَّرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ بَلَى قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ وَ فَسَّرَ لِلْأُمَّةِ شَأْنَ ذَلِكَ الرَّجُلِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ كَانَ هَذَا أَمْرٌ خَاصٌّ لَا يَحْتَمِلُهُ الْعَامَّةُ قَالَ أَبِي اللَّهُ أَنْ يُعْبَدَ إِلَّا سِرّاً حَتَّى يَأْتِيَ إِبَّانُ أَجَلِهِ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ دِينُهُ كَمَا أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مَعَ خَدِيجَةَ مُسْتَتِراً حَتَّى أُمِرَ بِالْإِعْلَانِ قَالَ السَّائِلُ يَنْبَغِي لِصَاحِبِ هَذَا الدِّينِ أَنْ يَكْتُمَ قَالَ أَوْ مَا كَتَمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع يَوْمَ أَسْلَمَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ أَمَرْنَا حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ.^۱

ترجمه: ای گروه شیعه! خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «هیچ امتی نیست مگر آن که بیم‌رسانی در میان آنها بوده است» شخصی گفت: ای ابوجعفر علیه السلام بیم‌رسان امت، محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. فرمود: درست گفתי ولی آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیاتش چاره‌ای از فرستادن نمایندگان در اطراف زمین داشت؟ (یعنی می‌توانست آنها را نفرستد) گفت: نه. امام فرمود: به من بگو مگر فرستاده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیم‌رسان او نیست چنان که خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خدای عز و جل و بیم‌رسان او بود؟ گفت: چرا، فرمود: پس همچنین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برای پس از مرگ خود هم فرستاده و بیم‌رسان دارد، اگر بگوئی ندارد، لازم آید که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را که در صلب مردان امتش بودند، ضایع کرده (و بدون رهبر گذاشته) باشد. آن مرد گفت: مگر قرآن برای آنها کافی نیست؟ فرمود: چرا در صورتی که مفسری برای قرآن داشته باشند، گفت: مگر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را تفسیر نفرموده است؟ فرمود: چرا تنها برای یک مرد تفسیر کرد و شأن آن مرد را که علی بن ابی طالب علیه السلام است به امت خود گفت. مرد سائل گفت: ای ابوجعفر علیه السلام، این مطلبی است خصوصی که عامه از مردم زیر بار آن نروند. فرمود: خدا حتماً می‌خواهد که در نهان پرستش شود تا برسد هنگام و زمانی که دینش آشکار شود، همچنان که (سال‌های اول بعثت) پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه در نهان پرستش خدا می‌کرد تا زمانی که مأمور به اعلان گشت. مرد سائل گفت: آیا صاحب این دین باید آن را نهان کند؟ فرمود: مگر علی بن ابی طالب علیه السلام از روزی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسلام آورد آن را نهان نکرد تا زمانی که امرش ظاهر گشت؟ کار ما نیز همچنین است تا نوشته خدا مدتش برسد (و هنگام ظهور امام زمان علیه السلام و آشکار شدن دین فرا رسد).

روایت اول. حدیث ثقلین

زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ... قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فِينَا خَطِيبًا، بِمَاءٍ يُدْعَى خُمًّا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَاثْنَى عَلَيْهِ وَوَعَظَ وَذَكَرَ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا بَعْدُ، أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ، وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ، وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ. فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَّبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي. فَقَالَ لَهُ حُصَيْنٌ: وَمَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ يَا زَيْدُ أَلَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؟ قَالَ: نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ حُرِمَ الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ.^۱

منابع حدیث

مسلم با چهار سند این روایت را از زید بن ارقم نقل کرده است.

سنن ترمذی (م ۲۷۹)، ج ۵، ص ۶۶۳: از زید بن ارقم و ابو سعید خدری (و عِترتی اهل بیتی) نقل کرده و می آورد هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ أَلْبَانِي نِيزَ حَكَمَ بِهِ صَحْتِ سَنَدِ كَرْدَه

سنن الکبریٰ نسائی (م ۳۰۳)، ج ۷، ص ۳۲۰: زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ

مصنف ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵)، ج ۶، ص ۳۰۹: زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

مسند أحمد (م ۲۴۱)، ج ۱۷، ص ۱۶۹: ابو سعید خدری و ج ۳۲، ص ۱۰: زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ و ج ۳۵، ص ۴۵۶: زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

سنن دارمی (۲۵۵) و مسند بزاز (م ۲۹۲) و مسند ابی یعلیٰ موصلی (م ۳۰۷) و صحیح ابن خزیمه (م ۳۱۱) و طبرانی (م ۳۶۰) در معجم الکبیر و الاوسط و الصغیر) و المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) (حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ عَلَيَّ شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ) و سنن الکبریٰ بیهقی (م ۴۵۸)

حدیث ثقلین را ۳۴ صحابه نقل کرده‌اند و ۱۸۷ نفر از اهل سنت در کتب خود آورده‌اند.

دلالت حدیث

نظر بزرگان اهل سنت:

۱. صحیح مسلم (م ۲۶۱)، ج ۴، ص ۱۸۷۳، حدیث ۳۶ (۲۴۰۸)

١. **سمهودى (م ٩١١):** هذا الخبر يفهم وجود من يكون أهلا للتمسك به من أهل البيت و العترة الطاهرة فى كل زمن إلى قيام الساعة.^١

٢. **ابن حجر هيثمى** (احمد بن محمد) (م ٩٧٤): ثم أعلم أن لحديث التمسك بذلك طرقا كثيرة و ردت عن نيف و عشرين صحابيا... و فى بعض تلك الطرق انه قال ذلك بحجة الوداع بعرفة و فى أخرى أنه قاله بالمدينة فى مرضه و قد أمثأت الحجرة بأصحابه و فى أخرى أنه قال ذلك بغدير خم و فى أخرى أنه قاله لما قام خطيبا بعد انصرافه من الطائف كما مر و لا تنافى إذ لا مانع من أنه كرر عليهم ذلك فى تلك المواطن و غيرها اهتماما بشأن الكتاب العزيز و العترة الطاهرة... و فى أحاديث الحث على التمسك بأهل البيت إشارة إلى عدم انقطاع متأهل منهم للتمسك به إلى يوم القيامة كما أن الكتاب العزيز كذلك و لهذا كانوا أمانا لأهل الأرض... ثم أحق من يتمسك به منهم إمامهم و عالمهم على بن أبى طالب كرم الله وجهه لما قدمناه من مزيد علمه و دقائق مستنبطاته و من ثم قال أبو بكر رضى الله عنه على عترة رسول الله صلى الله عليه و سلم أى الذين حث على التمسك بهم فخصه بما قلنا و كذلك خصه صلى الله عليه و سلم بما مر يوم غدير خم.^٢

٣. **عبدالرؤوف مناوى** (م ١٠٣١)، كلام ابن حجر را نقل كرد و مياورد: زاد فى رواية كهاتين و أشار بأصبعيه و فى هذا مع قوله أولا إني تارك فيكم تلويح بل تصريح بأنهما كتوأمين خلفهما و وصي أمته بحسن معاملتهما و إثارة حقهما على أنفسهما و استمساك بهما فى الدين أما الكتاب فلأنه معدن العلوم الدينية و الأسرار و الحكم الشرعية و كنوز الحقائق و خفايا الدقائق و أما العترة فلأن العنصر إذا طاب أعان على فهم الدين فطيب العنصر يؤدى إلى حسن الأخلاق و محاسنها تؤدى إلى صفاء القلب و نزاهته و طهارته.^٣

فهم وهابى

(عبد الله بن عبد المحسن التركى) رئيس دانشگاه محمد بن سعود شهر ریاض عربستان در توضیح حدیث «إِنِّى تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنِ» و عترتى: كانه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ جعلهم قائمین مقامه، فكما كان فى حياته القرآن و النبى، كذلك بعده القرآن و أهل بيته، و لكن قيامهم مقامه فى وجوب المحبة و المراعاة و الإحسان، لا فى العمل بأقوالهم و آرائهم، بل المرجع فى العمل، الكتاب و السنة، و الله تعالى أعلم.

قلنا: و قد ورد التصريح بأن المراد من قوله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: "و عترتى أهل بيتى" هو وجوب مراعاتهم و محبتهم، و اجتناب ما يسوؤهم، و الاحتراز عما يؤذيهم و ما ورد مما يفهم منه وجوب الاقتداء بهم، و الأخذ بأقوالهم و العمل بها، مثل قوله: "لن تضلوا بعدهما" أو: "لن تضلوا إن اتبعتموهما"، فأسانيده ضعيفة لا يصلح الاحتجاج بها، و هذه التثنية: (بعدهما) (اتبعتموهما) من أوهام ضعفة الرواة، و يؤيد ذلك أن النبى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فى خطبة حجة الوداع لم يذكر سوى وجوب الاعتصام بكتاب الله تعالى، فقال - كما عند مسلم من حديث جابر -: "تركت فيكم ما لن تضلوا بعده إن اعتصمتم به، كتاب الله" و لم يذكر العترة

١ . علامه مناوى، فيض القدير (شرح جامع الصغير سيوطى) ج ٣ ص ١٥

٢ . الصواعق المحرقة على أهل الرفض و الضلال و الزندقة، ج ٢، ص ٤٤٠

٣ . فيض القدير (شرح جامع الصغير سيوطى) ج ٣ ص ١٥

و لما قفل من حجة الوداع، و نزل غدیر خم، أحس بدنو أجله و قال: "یوشک أن یأتینی رسول ربی فأجیب" فأوصاهم بالاعتصام بكتاب الله مرة أخرى و أردف ذلك بتذکیرهم بعترته أهل بیته، فقال: "إنی قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا: کتاب الله، و عترتی أهل بیتی" فقولُهُ هنا: "و عترتی أهل بیتی" منصوب بفعل محذوف، یعنی: "احفظوا عترتی" أو "أذکرکم الله فی عترتی" كما هو نص مسلم.^۱

در این تحلیل هیچ توجهی به واژه ثقلین و در کنار هم ذکر شدن قرآن و اهل بیت نشده است. چنین القا می شود که پیامبر اسلام ﷺ بعد از اهل بیت علیهم السلام را اضافه کرده است.

نقل دیگر حدیث ثقلین

نور الدین هیثمی (علی بن ابی بکر) (م ۸۰۷) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ اثْنَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ، وَ نَسَبِي، وَ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ»^۲

نسبی نیز گویای همان عترتی و اهل بیتی است.

البته حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۷۲ این حدیث ابو هریره را کِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي، آورده است. لذا به بررسی واژه «سنتی» در روایات می پردازیم.

روایت های «سنتی»

۱. مَا لِكُ؛ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُم بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ^۳

این حدیث چون سند ندارد و مرسل است قابل پذیرش نیست.

۲. حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّبِيلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ الْفَرَانِضِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنِيُّ عَنْ كَثِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَوْفٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُم بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۴

کثیر بن عبد الله در سند آمده که وی را ضعیف و دروغگو خوانده اند.

۱. پاورقی کتاب مسند أحمد (چاپ موسسه الرسالة ۴۵ جلدی که با اشراف وی چاپ شده) ج ۱۷، ص ۱۷۵

۲. كشف الأستار عن زوائد البزار، ج ۳، ص ۲۲۳: حدیث ۲۶۱۷

۳. موطأ مالک (۱۷۹م)، ج ۵، ص ۱۳۲۳ حدیث ۶۷۸/۳۳۳۸

۴. التمهيد لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، (یوسف بن عبد الله، ابن عبد البر القرطبی (م ۴۶۳))، ج ۲۴، ص ۳۳۱

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى، ثنا ابنُ أَبِي أُوَيْسٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ، وَ عَنْ ثَوْرٍ بْنِ يَزِيدِ الدَّيْلِيِّ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... وَ قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَهْلَ النَّاسِ مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ.^۱

اسماعیل بن ابی اویس توسط نسائی تضعیف شده

۴. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي دَاوُدَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبٍ الرَّبْعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى أَبُو غَسَّانَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَ النَّاسَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَقَالَ: ... ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِهَا: «أَلَا وَ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ.^۲

عبد الله بن شبيب ربعی تضعیف شده است.

۵. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيه، أَنبَأَ الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَسْفَاطِيُّ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، وَأَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الشَّعْرَانِيُّ، ثنا جَدِّي، ثنا ابْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ ثَوْرٍ بْنِ زَيْدِ الدَّيْلِيِّ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۳

اسماعیل بن ابی اویس توسط نسائی تضعیف شده

۶. أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيه، أَنبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ السَّكَنِ الْوَاسِطِيُّ، ثنا دَاوُدُ بْنُ عَمْرٍو الضَّبِّيُّ، ثنا صَالِحُ بْنُ مُوسَى الطَّلْحِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُفَيْعٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ "^۴

ابن حجر، صالح بن موسی الطلحی را متروک خوانده یعنی حدیث وی را باید ترک کرد.

معنای اهل بیت در حدیث ثقلین

در تفسیر آیه: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.^۵

۱ . السنة مروزی، (م ۲۹۴)، ص ۲۵: حدیث ۶۸

۲ . الشریعة، محمد بن حسین أجری (م ۳۶۰)، ج ۵، ص ۲۲۱۹: حدیث ۱۷۰۴

۳ . المستدرک علی الصحیحین حاکم (م ۴۰۵)، ج ۱، ص ۱۷۱، حدیث ۳۱۸

۴ . المستدرک علی الصحیحین للحاکم (۱/ ۱۷۲) ح ۳۱۹

۵ . سورة احزاب، آیه ۳۳

ترمذی می‌آورد: حَدَّثَنَا عَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: «الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا} هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ^١

معنای عترتی در حدیث ثقلین

ابن اثیر می‌گوید: عِترَةُ الرَّجُلِ: أَحْصَى أَقَارِبِهِ. وَ عِترَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلَبِ. وَ قِيلَ: أَهْلُ بَيْتِهِ الْأَقْرَبُونَ، وَ هُمْ أَوْلَادُهُ وَ عَلِيُّ وَ أَوْلَادُهُ. وَ قِيلَ: عِترَتُهُ الْأَقْرَبُونَ وَ الْأَبْعَدُونَ مِنْهُمْ.^٢

معلوم است که عترت همه منسوبان به پیامبر را در بر نمی‌گیرد بلکه به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن افرادی همتای قرآن هستند که تمسک به آنان مانع از لغزش است.

عبد الرؤوف مناوی، قال الحکیم (الترمذی): وَ المراد بعترته هنا العلماء العاملون إذ هم الذين لا يفارقون القرآن أما نحو جاهل و عالم مخلط فأجنبی من هذا المقام.^٣

امام مهدی علیه السلام از عترت و اهل بیت علیهم السلام

(الف) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّقِّيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو الْمَلِيحِ الْحَسَنُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُفَيْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِترَتِي، مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ»^٤

(ب) حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ أَسْبَاطٍ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي».^٥

١. سنن الترمذی (٥/ ٣٥٢) ح ٣٢٠٦

٢. النهاية، ج ٣، ص ١٧٧

٣. فیض القدير ج ٣ ص ١٥

٤. سنن أبی داود (سليمان بن الأشعث م ٢٧٥)، ج ٤، ص ١٠٧ حديث: ٤٢٨٤

٥. سنن ترمذی، ج ٤، ص ٥٠٥ باب مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ حَدِيث ٢٢٣٠

ج) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، ح وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ الْوَاسِطِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، ح وَحَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ، كُلُّهُمْ عَنْ قَيْسٍ، عَنْ أَبِي حُصَيْنٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.^١

روایت دوم. حدیث مرگ جاهلی

سليمان طيالسی (م ۲۰۴) آورده: حَدَّثَنَا خَارِجَةُ بْنُ مُصْعَبٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^٢

منابع دیگر حدیث

۱. مسند أحمد (م ۲۴۱)، ج ۲۸، ص ۸۸ حدیث ۱۶۸۷۶
۲. السنة ابن أبي عاصم، (م ۲۸۷) ج ۲، ص ۵۰۳، حدیث ۱۰۵۷.
۳. مسند بزار (البحر الزخار) (م ۲۹۲)، ج ۱۱، ص ۲۲، حدیث ۴۶۹۵.
۴. مسند أبي يعلى موصلى (م ۳۰۷)، ج ۱۳، ص ۳۶۶ حدیث ۷۳۷۵.
۵. صحيح ابن حبان (م ۳۵۴)، ج ۱۰، ص ۴۳۴، حدیث ۴۵۷۳.
۶. معجم كبير طبرانی (م ۳۶۰)، ج ۱۹، ص ۳۸۸، حدیث ۹۱۰.
۷. معجم أوسط، طبرانی، ج ۶، ص ۷۰، حدیث ۵۸۲۰.
۸. مسند الشاميين طبرانی، ج ۲، ص ۴۳۷، حدیث ۱۶۵۴.
۹. حلیة الأولیاء، (ابونعیم اصفهانی) (م ۴۳۰)، ج ۳، ص ۲۲۴.

نه تن صحابی از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند.

دلالت حدیث

نظر ابوحاتم نویسنده صحیح ابن حبان (م ۳۵۴): قَالَ أَبُو حَاتِمٍ: قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةِ" مَعْنَاهُ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْتَقِدْ أَنْ لَهُ إِمَامًا يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ حَتَّى يَكُونَ قِيَامُ الْإِسْلَامِ بِهِ عِنْدَ الْحَوَادِثِ وَ النَّوَزِلِ مُقْتَنِعًا (ای مقبلاً) فِي الْأَنْقِيَادِ عَلَيَّ مَنْ لَيْسَ نَعْتُهُ مَا وَ صَفْنَا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸ حدیث ۲۷۷۹

۲. مسند أبي داود الطيالسی (سليمان بن داود الطيالسی م ۲۰۴)، ج ۳، ص ۴۲۵ حدیث ۲۰۲۵

قَالَ أَبُو خَاتِمٍ: ظَاهِرُ الْخَبَرِ أَنَّ مَنْ مَاتَ، وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، يُرِيدُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، لِأَنَّ إِمَامَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي الدُّنْيَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ إِمَامَتَهُ، أَوْ اعْتَقَدَ إِمَامًا غَيْرَهُ مُؤَثِّرًا قَوْلَهُ عَلَى قَوْلِهِ، ثُمَّ مَاتَ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً^١.

برداشت وی از «بغیر امام» اعتقاد نداشتن است و از «امام» دعوت کننده به سوی الله است و مصداق آن را پیامبر ﷺ می‌داند.

نقلی دیگر از حدیث

مسلم در صحیحش آورده: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ الْعَنْبَرِيُّ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا عَاصِمٌ وَ هُوَ ابْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ نَافِعٍ، قَالَ: جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ ... فَقَالَ: ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^٢.

دلالت حدیث

نظر ملا علی القاری: (وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ) أَيْ لِإِمَامٍ (مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً) وَ هُوَ مَعْنَى مَا اشْتَهَرَ عَلَى الْأُسْنَةِ، وَ ذَكَرَهُ السَّعْدُ فِي شَرْحِ الْعُقَايِدِ مِنْ حَدِيثٍ (مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً)^٣ وی نیز از بیعت، معرفت فهمیده است.

پس در هر زمانی امامی هست که دعوت به خداوند می‌کند و بر مردم شناخت و لازم است.

نقلی دیگر از حدیث

بخاری در صحیحش آورده: حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ، عَنِ الْجَعْدِ، عَنْ أَبِي رَجَاءٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شَيْئًا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^٤

١. صحیح ابن حبان، ج ١٠، ص ٤٣٤

٢. صحیح مسلم (م ٢٦١)، ج ٣، ص ١٤٧٨، حدیث ٥٨ - (١٨٥١) مسلم با سه سند این حدیث را نقل کرده است.

٣. علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (م ١٠١٤)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح بغوی (م ٥١٦)، ج ٤، ص ٢٣٩٨

٤. صحیح بخاری (م ٢٥٦)، ج ٩، ص ٤٧، حدیث ٧٠٥٣

حَدَّثَنَا أَبُو النُّعْمَانِ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنِ الْجَعْدِ أَبِي عُثْمَانَ، حَدَّثَنِي أَبُو رَجَاءٍ الْغَطَارِدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَيْئًا فَمَاتَ، إِلَّا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^١

منابع حدیث

این حدیث در صحیح مسلم، سنن نسائی، مصنف ابی شیبہ، مسند احمد، سنن دارمی، مسند ابی یعلیٰ، معجم الکبیر طبرانی... آمده است.

دلالت

بسیار قابل تأمل است که بخاری تنها همین نوع را آورده و نقل‌های دیگر را حذف کرده چنان که روشن است حاصل این تغییر منصرف کردن اذهان از امام به امیر و سلطان و نیز از امام به اکثریت مردم جامعه است.

سخن یک وهابی

البانی گوید: "من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية". لا أصل له بهذا اللفظ. وقد قال الشيخ ابن تيمية: والله ما قاله رسول الله صلى الله عليه وسلم هكذا، وإنما المعروف ما روي مسلم أن ابن عمر ... و لو صح هذا الحديث لما كان فيه أدنى إشارة إلي ما زعموا (الشيعة)، و غاية ما فيه وجوب اتخاذ المسلمين إماما يبايعونه، و هذا حق كما دل عليه حديث مسلم و غيره.^٢

نکته مهم این است که وی نیز می‌پذیرد معنای معرفت و بیعت یکی است.

روایت سوم. حدیث دوازده جانشین

بخاری آورده است: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ، سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا»، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^٣

١. صحیح البخاری، ج ٩، ص ٤٧، ح ٧٠٥٤

٢. سلسله الأحادیث الضعيفة و أثرها السيئ في الأمة، محمد بن نوح البانی، (م ١٤٢٠) ج ١، ص ٥٢٥) حدیث: ٣٥٠

٣. صحیح بخاری، ج ٩، ص ٨١ حدیث ٧٢٢٢

صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، مسند احمد، مسند بزاز، مسند ابی یعلی، صحیح ابن حبان، معجم اوسط و کبیر طبرانی، مستدرک علی الصحیحین و...

از لحاظ کتاب و سند کسی در این روایات شکی ندارد.

سه حدیث تأمل برانگیز

پیش از پرداختن به معنا، توجه به متن سه حدیث لازم است.

(الف) عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً"، فَكَبَّرَ النَّاسُ وَصَجُّوا، وَقَالَ كَلِمَةً خَفِيَّةً قُلْتُ لِأَبِي: يَا أَبَتُ، مَا قَالَ؟ قَالَ: "كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ"^۱

(ب) عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيْعًا، يُنْصَرُونَ عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُمْ عَلَيْهِ إِلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً" قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَصْمَتْنِيهَا النَّاسُ، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: "كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ"^۲

(ج) عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيْعًا ظَاهِرًا عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُ حَتَّى يَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ كُلُّهُمْ» ثُمَّ لَغَطَ (صوت و ضجّة لا يفهم معناها) النَّاسُ وَ تَكَلَّمُوا فَلَمْ أَفْهَمْ قَوْلَهُ بَعْدَ: كُلُّهُمْ، فَقُلْتُ لِأَبِي: يَا أَبَتَاهُ، مَا بَعْدَ قَوْلِهِ: كُلُّهُمْ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^۳

چند پرسش

آیا برای احادیث دوازده جانشین که تا این اندازه مورد سفارش پیامبر ﷺ بوده و مؤلفان بزرگ اهل تسنن نیز بدان تأکید کرده‌اند، معنایی سطحی را می‌توان پذیرفت؟

آیا معنای مختلف و بعضاً متضاد از این حدیث، با تواتر آن سازگاری دارد؟

آیا می‌توان گفت منظور پیامبر ﷺ انحصار و پشت سر هم بودن امامان نبوده است؟

اگر منظور پیامبر ﷺ این بوده که تا قیامت جانشینان فراوانی خواهند آمد و در میان آنان دوازده جانشین از قریش خواهند بود، این جمله برای مسلمانان چه سودی می‌توانست داشته باشد تا پیامبر ﷺ این همه بر آن تأکید کند؟

۱. مسند أحمد، ج ۳۴، ص ۴۷۲ حدیث ۲۰۹۲۷

۲. صحیح ابن حبان - محققا (۴۵/۱۵): ۶۶۶۳

۳. المعجم الکبیر للطبرانی (۱۹۶/۲) ۱۷۹۵

این احادیث چه خطری داشته که گروهی هنگام گفتن آن سر و صدا می کرده‌اند و اجازه نمی‌داده‌اند پیام رسول خدا ﷺ به گوش مسلمانان برسد

حدیث انحصار

حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ مُوسَى، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنِ الْمُجَالِدِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَهُوَ يُقْرَأُ الْقُرْآنَ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، هَلْ سَأَلْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كَمْ تَمْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ خَلِيفَةٍ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: مَا سَأَلْنِي عَنْهَا أَحَدٌ مُنْذُ قَدِمْتُ الْعِرَاقَ قَبْلَكَ، ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، وَلَقَدْ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: "اِثْنَا عَشَرَ، كَعِدَّةِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ".^۱

با توجه به این موارد، در تاریخ اسلام دوازده خلیفه‌ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند جز با ۱۲ امامی که شیعه به آنها معتقد است نمی‌توان مصداق داشته باشد. لازم به دقت است که ابو داوود در کتاب سنن خویش این حدیث را در «کتاب المهدی» آورده و یعنی آن را مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌داند.

روایت چهارم. حدیث امان اهل زمین

احمد بن حنبل آورده: وَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْنَا أَيْضًا، يَذْكُرُ أَنَّ يُوسُفَ بْنَ نَفِيسٍ حَدَّثَهُمْ قَتْنَا عَبْدَ الْمَلِكِ بْنَ هَارُونَ بْنَ عَنَتَرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، إِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ».^۲

روایانی (۳۰۷ م) گوید: نَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ، نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ، نَا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «النُّجُومُ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي»^۳

منابع حدیث

المعجم الكبير طبرانی (۲۲ / ۷) حدیث ۶۲۶۰

المستدرک علي الصحيحين حاکم (۴۸۶ / ۲) حدیث ۳۶۷۶

ترتیب الأمالی الخمیسیة شجرى (م ۴۹۹)، (۱ / ۲۰۰) حدیث ۷۴۲ در ادامه حدیث دارد: فَوَيْلٌ لِمَنْ خَذَلَهُمْ وَ عَانَدَهُمْ.

۱. مسند أحمد (۶ / ۳۲۱) حدیث ۳۷۸۱

۲. فضائل الصحابة أحمد بن حنبل (م ۲۴۱)، (۲ / ۶۷۱) حدیث ۱۱۴۵

۳. مسند الروایانی (م ۳۰۷)، (۲ / ۲۵۸) حدیث ۱۱۶۵

جامع المسانيد و السنن ابن كثير (م٧٧٤)، (٣/ ٥٧٧) حديث ٤٥١٣

المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، ابن حجر العسقلاني (م ٨٥٢) (١٦/ ٢١٥) حديث ٣٩٧٢

الفتح الكبير في ضم الزيادة إلي الجامع الصغير، سيوطي (م ٩١١)، (٣/ ٢٥٦) حديث ١٢٧٢٥

دلالت حديث

حكيم ترمذی: وَ قَوْلُهُ (أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي) فَأَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ خَلْفَهُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيَّ مِنْهَا جَهَنَّمُ... فَهَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمَانٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ فَإِذَا مَاتُوا فَسَدَتْ الْأَرْضُ وَ خَرِبَتْ الدُّنْيَا.^١

عبد الرؤوف مناوي: شبههم بنجوم السماء و هي التي يقع بها الاهتداء و هي الطوالع و الغوارب و السيارات و الثابتات فكذلك بهم الاقتداء و بهم الأمان من الهلاك و بعد سخن ترمذی را نقل می کند.^٢

بنا بر تفسیر اهل تسنن نیز این حدیث بر وجود همیشگی اهل بیت دلالت دارد.

١ . حکیم ترمذی (م٣٢٠)، نوادر الأصول فی احادیث الرسول (٣/ ٦٣)

٢ . مناوی، فیض القدير (٦/ ٢٩٧)

امام مهدی علیه السلام در قرآن

مقدمه

یکی از راه‌های شناخت موضوعات اسلامی از جمله مهدویت مراجعه به قرآن است.

قرآن جامع تمام علوم است. وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ نَحْلُ، آیه ۸۹ - مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ اِنْعَام، آیه ۳۸

معارف قرآن دو نوع است: معارف ظاهری که علم تفسیر آن را بیان می‌کند. معارف باطنی که علم تأویل بیان‌گر آن است و

جامعیت قرآن با وجود ظاهر (تفسیر) و باطن (تأویل) قرآن است.

تفسیر: معنای لغوی: روشن کردن.

معنای اصطلاحی: بیان مفاد (مراد) استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و

اصول عقلایی محاوره.^۱

تأویل: معنای لغوی: چیزی که شیء به آن باز می‌گردد.

معنای اصطلاحی: معانی و مصادیق آیات که جز خداوند و راسخان در علم (چهارده معصوم) کسی آن را نمی‌داند و فهمیدن

آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول محاوره میسر نیست.^۲

چگونگی معرفی قرآن

قرآن به دو گونه راهنمایی و معرفی می‌نماید:

۱. با اسم: وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ. آل عمران: ۱۴۴

۲. با صفت و ویژگی: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. اعراف، آیه

۱۵۷

چرا نام امام زمان علیه السلام در قرآن نیامده؟

۱. زیرا روش قرآن تنها معرفی با اسم نیست.

۱. روش شناسی تفسیر قرآن ص ۲۳

۲. روش شناسی تفسیر قرآن ص ۳۴

۲. قرآن بیانگر کلیات است و لزوم پیروی از معصوم را بیان می‌کند و هیچ یک از ائمه علیهم‌السلام را نام نمی‌برد.
۳. برای جلوگیری از تحریف قرآن.

۴. برای اهل دشمنی، آمدن اسم هم سودی ندارد و برای اهل پیروی بیان صفت نیز کافی است

آمار آیات مهدوی

تفسیر بعضی از آیات و تأویل بسیاری از آنها در موضوع مهدویت است.

۱. کتاب معجم الاحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه در ۲۶۵ جای از قرآن به ۳۹۸ آیه اشاره کرده است.
 ۲. کتاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه فی القرآن و السنة، به ۵۳۱ آیه اشاره کرده است.
- در نتیجه می‌توان ۴۰۰ تا ۵۰۰ آیه از قرآن را مهدوی دانست که فراوانی آیات این موضوع را در قرآن شریف نشان می‌دهد.

موضوعات مهدوی در قرآن

۱. اصل مهدویت و بشارت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۲. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه (حضور دائمی حجت در جامعه بشری)

۳. غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۴. نشانه‌های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۵. یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۶. ویژگی‌های حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۷. وقایع دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

۸. نزول عیسی علیه السلام

۹. رجعت

۱. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه (حضور همیشگی حجت)

آیه اول

سوره قدر، آیه چهار: تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْتُنِ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ.

ملائکه بر چه کسی نازل می‌شوند و مقدرات را نزد چه کسی می‌آورند؟

متأسفانه تفاسیر اهل سنت هرگز به این مطلب اشاره نکرده‌اند. اما آیه دو سوره نحل این مطلب را توضیح می‌دهد. يُنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَي مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ.

از این آیه معلوم می‌شود فرشتگان بر کسی نازل می‌شوند. از اول سوره معلوم می‌شود در زمان پیامبر ﷺ بر ایشان نازل می‌شدند (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) زیرا قرآن بر ایشان نازل شده است.

طبق روایات لیلہ القدر با رحلت پیامبر تمام نمی‌شود.^۱

تفسیر الثعلبی = الكشف والبيان عن تفسير القرآن (۱۰/ ۲۴۹) أحمد بن يوسف قال: حَدَّثَنَا عبد الله قال: أخبرنا سفيان عن الأوزاعي عن مرشد أو عن أبي مرشد قال: كنت جالسا مع أبي ذر عند خمرة الوسطي فسئل عن لَيْلَةِ الْقَدْرِ فقال: كنت أسأل الناس عنها رسول الله صلى الله عليه وسلم - قال: قلت: يا رسول الله لَيْلَةُ الْقَدْرِ هل هي تكون علي عهد الأنبياء (عليهم السلام) ، فإذا مضوا رفعت؟ قال: «لا، بل هي إلي يوم القيامة».

حال پرسش اساسی این است که بعد از پیامبر ﷺ آن شخص کیست؟

حدیث شیعه آن را بیان می‌دارد: کافی، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۱۱: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (الجواد) عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزَلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَ لَاءُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةً مُحَدَّثُونَ

آیه دوم

سورة إسرائ آية ۷۱: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمامِهِم

حدیث اهل سنت: ثعلبی (ق ۵) در الكشف و البيان عن تفسير القرآن ج ۶، ص: ۱۱۵ و سیوطی (ق ۱۰) در الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص: ۱۹۴ روایة ابن أبی نجیح عن مجاهد و عن علی بن الحسین بن علی المرتضی (عليهم السلام) عن جده قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمامِهِمُ قال: «يُؤْتِي كل قوم بإمام زمانهم و كتاب ربهم و سنّة نبیهم» طبری (ق ۴) جامع البيان فی تفسير القرآن، ج ۱۵، ص ۸۶: أولي هذه الأقوال عندنا بالصواب، قول من قال: معني ذلك:

^۱ . تفسير السعدي = تيسير الكريم الرحمن (م ۱۳۷۶ق) (ص: ۹۳۱): وقد تواترت الأحاديث في فضلها، وأنها في رمضان، وفي العشر الأواخر منه، خصوصا في أوتاره، وهي باقية في كل سنة إلي قيام الساعة.

يوم ندعو كل أناس بإمامهم الذى كانوا يقتدون به، و يأتون به فى الدنيا، لأن الأغلب من استعمال العرب الإمام فيما أئتم و اقتدى به، و توجيه معانى كلام الله إلي الأشهر أولي ما لم تثبت حجة بخلافه يجب التسليم لها.

حديث شيعى: كافي، ج ١، ص ٢١٦، ح ١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ. قَالَ الْمُسْلِمُونَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ؟ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُومُونَ فِي النَّاسِ.

آية سوم

سورة رعد، آیه ٧: إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

حديث اهل تسنن: تفسير الطبرى = جامع البيان ط هجر (١٣ / ٤٤٢) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوفِيُّ، قَالَ: ثنا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَنْصَارِيُّ، قَالَ: [ص: ٤٤٣] ثنا مُعَاذُ بْنُ مُسْلِمٍ، ثنا الْهَرَوِيُّ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ {إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ} [الرعد: ٧] وَضَعَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ، فَقَالَ: «أَنَا الْمُنْذِرُ» {وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ}، وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَي مَنْكِبِ عَلِيٍّ فَقَالَ: «أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بَعْدِي»^١

^١ . تفسير الألوسى = روح المعانى (٧ / ١٠٣) واستدل بذلك الشيعة علي خلافة علي كرم الله وجهه بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم بلا فصل. وأجيب بأننا لا نسلم صحة الخبر، وتصحيح الحاكم محكوم عليه بعدم الاعتبار عند أهل الأثر، وليس فى الآية دلالة علي ما تضمنه بوجه من الوجوه، علي أن قصاري ما فيه كونه كرم الله تعالى وجهه به يهتدى المهتدون بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم وذلك لا يستدعى إلا إثبات مرتبة الإرشاد وهو أمر والخلافة التى نقول بها أمر لا تلازم بينهما عندنا. وقال بعضهم: إن صح الخبر يلزم القول بصحة خلافة الثلاثة رضى الله تعالى عنهم حيث دل علي أنه كرم الله تعالى وجهه علي الحق فيما يأتى ويذر وأنه الذى يهتدى به وهو قد بايع أولئك الخلفاء طوعا ومدحهم وأئني عليهم خيرا ولم يطعن فى خلافتهم فينبغى الاقتداء به والجرى علي سننه فى ذلك ودون إثبات خلاف ما أظهر خراط القتاد. وقال أبو حيان: إنه صلى الله عليه وسلم علي فرض صحة الرواية إنما جعل عليا كرم الله تعالى وجهه مثالا من علماء الأمة وهدايتها إلي الدين فكانه عليه الصلاة والسلام قال: يا علي هذا وصفك فيدخل الخلفاء الثلاث وسائر علماء الصحابة رضى الله تعالى عنهم بل وسائر علماء الأمة، وعليه فيكون معني الآية إنما أنت منذر ولكل قوم فى القديم والحديث إلي ما شاء الله تعالى هداة دعاة إلي الخير اه وظاهره أنه لم يحمل تقديم المعمول فى خبر ابن عباس رضى الله تعالى عنهما علي الحصر الحقيقي وحينئذ لا مانع من القول بكثرة من يهتدى به، ويؤيد عدم الحصر ما جاء عندنا من قوله صلى الله عليه وسلم: «اقتدوا بالذين من بعدى أبا بكر وعمر» وأخبار أخر متضمنة لإثبات من يهتدى به غير علي كرم الله تعالى وجهه، وأنا أظنك لا تلتفت إلي التأويل ولا تعبا بما قيل وتكتفى بمنع صحة الخبر وتقول ليس فى الآية مما يدل عليه عين ولا أثر هذا،

در حالى كه در فتح البارى لابن حجر (٨ / ٣٧٦) آمده ما أخرجه الطبري بإسناد حسن من طريق سعيد بن جبير عن ابن عباس. المستدرک علي الصحيحين للحاكم (٣ / ١٤٠) ٤٤٤٦ - أخبرنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماك، ثنا عبد الرحمن بن محمد بن منصور الحارثي، ثنا حسين بن حسن الأشقر، ثنا

حديث شيعه: كافي، ج ١، ص ١٩١، ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَيَّ مَا جَاءَ بِهِ - نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى عليه السلام ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ.

٢. اثبات غيب امام زمان عليه السلام

آية اول

سوره ملك آية ٣٠: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ.

حديث تأويلي: كافي، ج ١، ص ٣٣٩، ح ١٤: عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ قَالَ إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ

آية دوم

سورة حج آية ٤٥: وَ بَنِي مُعْتَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ

حديث تأويلي: كافي، ج ١، ص ٤٢٧، ح ٧٥: عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ بَنِي مُعْتَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ قَالَ الْبَنِيُّ الْمُعْتَلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ وَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ

آية سوم

سورة لقمان آية ٢٠: أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً

حديث تأويلي: كمال الدين، ج ٢، ص ٣٦٨، ح ٦: عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً فَقَالَ عليه السلام النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ

مَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ عَلِيٍّ: {إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ} [الرعد: ٧] قَالَ عَلِيُّ:

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُنْذِرُ، وَأَنَا الْهَادِي» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ " [التعليق - من تلخيص الذهبي] ٤٦٤٦ - بل كذب قبح

الله واضعه. الباني در سلسله الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة (٥٣٧ / ١٠) می گوید: وهو - عندی - حسین الأشقر؛

آیه اول

سورة نور آیه ۵۵: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.

حدیث تفسیری: غیبت نعمانی، ص ۲۴۰، ح ۳۵: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي مَعْنَى قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ

آیه دوم

سورة انبياء، آیه ۱۰۵: وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حدیث تفسیری: تأویل الآيات الظاهرة ص ۳۲۷: قال (محمد بن العباس رحمه الله) عن حسين بن محمد بن عبد الله بن الحسن عن أبيه عن أبي جعفر (ع) قال: قوله عز و جل أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، هم أصحاب المهدي (ع) في آخر الزمان.

حضرت داوود (زبور) و بنی اسرائیل (تورات) هر دو حکومت کردند لذا نام این دو در آیه ذکر شده است.

آیه سوم

سوره قصص آیه ۵: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

حدیث تفسیری: غیبت شیخ طوسی ص ۱۸۴: مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقِطْعِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عُبيدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ

آیه اول

سوره شعراء آیه ۴: إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

حديث تفسيري: غيب طوسي، ص ١٧٧: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الصَّقَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خِدْرِهَا وَ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّ نَشَأَ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أغْنَاهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

آية دوم

سوره سبأ، آية ٥١: وَ لَوْ تَرَى إِذْ فِرْعَوْنُ فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

حديث تفسيري: غيب نعماني، ص ٣٠٤: عَنِ الْحَارِثِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ... خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ ... وَ يَأْتِي الْمَدِينَةَ بِجَيْشٍ جَرَّارٍ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى بَيْدَاءِ الْمَدِينَةِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فِرْعَوْنُ فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

آية سوم

سوره مدثر آیه ٨: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ

حديث تفسيري: الكافي ج : ١ ص : ٣٤٣ ح ٣٠: عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ قَالَ إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُظْفَرًا مُسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

٥. ياران

آية اول

سوره بقره آیه ١٤٨: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

حديث تفسيري: كافي ج : ٨ ص : ٣١٣ ح ٤٨٧: عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ وَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ

غيب نعماني، ص ٣١٢، ح ٣: الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِيَّ فَاتَّيَحَّتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ فَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوَبَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفَقِّدُ مِنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ حَلِيتِهِ وَ نَسَبِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَكْظَمُ إِيْمَانًا قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَ هُمُ الْمَفْقُودُونَ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا.

آية دوم

سورة انعام، آية ٨٩: أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ.

حديث تفسيري: غيببت نعماني، ص ٣١٦، ح ١٢: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعَجَلِيِّ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظَةٌ لَهُ أَصْحَابُهُ لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ.

آية سوم

سورة مائدة، آية ٥٤: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

حديث تفسيري: غيببت نعماني، ص ٣١٦، ح ١٢: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعَجَلِيِّ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظَةٌ لَهُ أَصْحَابُهُ لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ... وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ.

٦. ویژگی های حکومت امام زمان عجل الله فرجه

آية اول

سورة حدید، آية ١٧: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

حديث تفسيري: كمال الدين، ج ٢، ص ٦٦٨، ح ١٣: سَلَّمَ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ عليه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا (بُعْنَى بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ)

كافي، ج ٨، ص ٢٦٧، ح ٣٩٠: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ الْعَدْلَ بَعْدَ الْجَوْرِ

آیه دوم

سورة اسراء آية ٨١: وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.

حديث تفسيري: كافي، ج ٨، ص ٢٨٨ ح ٤٣٢: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ ... وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ.

آية سوم

سورة نور آية ٥٥: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.

حديث تفسیری: غیبت نعمانی، ص ۲۴۰، ح ۳۵: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مَعْنَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ

۷. وقایع دوران ظهور

آیه اول

سوره حجر آیات ۳۶، ۳۷، ۳۸ و سوره ص آیات ۷۹، ۸۰، ۸۱: قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

حديث تفسیری: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۱۴: عَنْ وَهْبِ بْنِ جُمَيْعٍ مَوْلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ لَهُ وَهْبُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمُ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ؟ إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمًا. فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمًا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

آیه دوم

سوره توبه، آیه ۳۴: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

حديث تفسیری: کافی، ج ۴، ص: ۶۱، ح ۴: عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مُوسَعُ عَلَيَّ شَيْعَتَنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَيَّ كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ عَدُوَّهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

آیه سوم

سوره مدثر آیه ۴: وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ.

حديث تفسيري: كافي ج ٤، ص ٤٥٥، ح ٢: عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ عِنْدَكُمْ فَآتَى بَنِي دِيوَانَ وَاشْتَرَى ثَلَاثَةَ أَثْوَابٍ بِدِينَارٍ الْقَمِيصَ إِلَى فَوْقِ الْكَعْبِ وَالْإِزَارَ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَالرِّدَاءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ إِلَى تَدْيِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ إِلَى أَلْيَتَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَزَلْ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى مَا كَسَاهُ حَتَّى دَخَلَ مَنْزِلَهُ ثُمَّ قَالَ هَذَا اللَّبَاسُ الَّذِي يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَلْبَسُوهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ لَكِنْ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَلْبَسُوا هَذَا الْيَوْمَ وَلَوْ فَعَلْنَاهُ لَقَالُوا مَجْنُونٌ وَلَقَالُوا مُرَاءٍ وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ وَ ثِيَابَكَ فَطَهَّرُ قَالَ وَ ثِيَابَكَ ارْفَعْهَا وَ لَا تَجْرُهَا وَ إِذَا قَامَ قَائِمًا عليه السلام كَانَ هَذَا اللَّبَاسُ

٨. نزول عيسى

آيه اول

سوره نساء آيه ١٥٩: وَ إِنِّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا.

حديث تفسيري: تفسير قمي ج ١، ص ١٥٧: أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ قَالَ قَالَ لِي الْحَجَّاجُ يَا شَهْرُ آيَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أُعِيْنِي فَقُلْتُ أَيُّهَا الْأَمِيرُ آيَةُ آيَةٍ هِيَ فَقَالَ قَوْلُهُ وَ إِنِّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَمْرٌ بِالْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ فَتَضَرَّبُ عَنْقُهُ ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَيْنِي فَمَا أَرَاهُ يُحَرِّكُ شَفَتَيْهِ حَتَّى يَخْمَدُ فَقُلْتُ أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ لَيْسَ عَلَيَّ مَا تَأَوَّلْتَ قَالَ كَيْفَ هُوَ قُلْتُ إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّةِ يَهُودِيٍّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ قَالَ وَ يَحْكُمُ أَنِّي لَكَ هَذَا وَ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ فَقُلْتُ حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ جِئْتُ وَ اللَّهُ بِهِمَا مِنْ عَيْنٍ صَافِيَةٍ

آيه دوم

سوره نساء آيه ١٥٩: وَ قَالُوا لَوْ لَا نَزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

حديث تفسيري: تفسير القمي ج ١، ص ١٩٨: فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَ سَيُريكَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ مِنْهَا دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ الدَّجَالُ وَ نَزُولُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا

٩. رجعت

آيه اول

سوره نمل، آيه ٨٣: وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ.

حدیث تفسیری: تفسیر قمی ج ۱، ص ۲۴ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ آيَةِ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ قَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَيْحَشُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَدْعُ الْبَاقِينَ إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

آیه دوم

سورة غافر آیه ۱۱: قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ
حدیث تفسیری: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶، ح ۱۳۹: منتخب البصائر مِنْ كِتَابِ الْمَشِيخَةِ لِلْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِي الْمُتَّصِلِ إِلَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ قَالَ عليه السلام هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ يَجْرِي فِي الْقِيَامَةِ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

آیه سوم

سورة آل عمران آیه ۸۱: وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

حدیث تفسیری: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۵: حدثني أبي عن ابن أبي عمير عن عبد الله بن مسكان عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ، قال: ما بعث الله نبيا من لدن آدم إلي عيسى عليه السلام إلا أن يرجع إلي الدنيا فينصر أمير المؤمنين عليه السلام و هو قوله « لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ » يعني رسول الله صلى الله عليه وآله و لتنصرنه يعني أمير المؤمنين عليه السلام.

منابع

۱. الإمام المهدي عليه السلام في القرآن و السنة سعيد ابو المعاش
۲. معجم احاديث الإمام المهدي عليه السلام جلد پنجم جمعی
۳. بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدوی فتح الله نجار زادگان
۴. معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت سید محسن طباطبائی
۵. المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة عليه السلام سید هاشم بحرانی
۶. سیمای امام مهدی عليه السلام در قرآن ترجمه المحجة حائری قزوینی

محمد جواد مولوی نیا

۷. سیمای مهدویت در قرآن

محمد حسین رضوی

۸. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در قرآن

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در روایات

ضرورت بحث از روایات

قرآن و عقل، اصول و کلیات معارف مهدوی را بیان و اثبات می‌کنند. آنچه عهده دار بیان جزئیات و شرح کلیات معارف مهدویست، روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است. بنابراین بدون مراجعه به روایات نمی‌توان در مورد معارف مهدوی به فهم دقیق و صحیحی دست یافت.

واژه شناسی

۱. حدیث، روایت و خبر: حکایت قول، فعل یا تقریر معصوم علیه السلام است. این حکایت گاهی صحیح و گاهی حسن یا موثق یا ضعیف است. (روایت ضعیف غیر از روایت جعلی است)
۲. سنت: قول، فعل یا تقریر معصوم علیه السلام است. (حکایت ثابت شده)
۳. متواتر: حدیثی که راویان آن در هر زمان به تعدادی هستند که هم دست شدنشان بر دروغ‌پردازی عادتاً محال است.
۴. صحاح سته: شش کتاب حدیثی معتبر نزد اهل سنت. صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابو داود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه.

کتاب‌های روایی مهدویت

۱. کتاب‌های روایی شیعه
۲. کتاب‌های اهل تسنن

کتاب‌های روایی شیعه

۱. اثبات الغیبه، فضل بن شاذان (م ۲۶۰)
۲. کافی، ثقه الاسلام کلینی (م ۳۲۹)
۳. اثبات الوصیه، علی بن حسین مسعودی (زنده در ۳۳۳)
۴. الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی از سران فاسد غالبان (م ۳۳۴)
۵. کتاب الغیبه، مرحوم نعمانی (م ۳۶۰)
۶. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق (م ۳۸۱)

۷. الغيبة للحجه شيخ طوسی (م ۴۶۰)
۸. ارشاد شيخ مفيد (م ۴۱۳)
۹. دلائل الامامه جرير طبري (ح ۴۶۰)
۱۰. إعلام الوري (ربيع الشيعه) فضل بن حسن طبرسي (م ۵۴۸)
۱۱. احتجاج احمد بن علي طبرسي (ح ۵۵۰)
۱۲. كشف الغمة، علي بن عيسى إربلي (م ۶۹۳)
۱۳. منتخب الأنوار المضيئة سيد علي بن عبدالكريم نيلي نجفي (ق ۹)
۱۴. كفاية الأثر علي بن محمد خزاز قمي رازي (ق ۴)
۱۵. بحار الانوار علامه مجلسي (م ۱۱۱۰)
۱۶. اثبات الهداه، شيخ حر عاملي (م ۱۱۰۴)
۱۷. كفاية المهتدي، سيد محمد مير لوحی چهل حديث (م ۱۰۸۳)
۱۸. إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب حائري يزدي (م ۱۳۲۳)
۱۹. معجم احاديث الإمام المهدي ﷺ هشت جلدی گروهی (معاصر)
۲۰. منتخب الأثر، آيت الله صافي گلپايگانی (معاصر)

کتابهای اهل تسنن

۱. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث و الآثار الصحيحة عبد العليم بستوي (معاصر)
۲. الموسوعة في أحاديث المهدي ﷺ الضعيفة و الموضوعة عبد العليم بستوي
۳. سنن ابوداود سليمان بن الأشعث (م ۲۷۵)
۴. الجامع الكبير (سنن ترمذی)
۵. محمد بن عيسى ترمذی (م ۲۷۹)
۶. سنن ابن ماجه محمد بن يزيد قزوینی (م ۲۷۳)
۷. مسند احمد احمد بن حنبل (م ۲۴۱)
۸. المستدرک علي الصحيحين محمد بن عبد الله نيشابوری (م ۴۰۵)
۹. عقد الدرر في اخبار المنتظر يوسف بن يحيي مقدسی شافعی (م بعد ۶۵۸)

۱۰. البیان فی أخبار صاحب الزمان علیه السلام محمد بن یوسف گنجی (م ۶۵۸)

۱۱. العرف الوردی فی أخبار المهدی سیوطی (م ۹۱۱)

۱۲. القول المختصر ابن حَجَر الهیتمی (م ۹۷۴)

۱۳. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علی بن حسام الدین متقی هندی (م ۹۷۵)

۱۴. النهاية فی الفتن والملاحم، ابن کثیر (م ۷۷۴)

۱۵. کتاب الفتن، نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۸)

اعتبار و قوّت احادیث مهدویت

۱. اولین کسی که مسأله مهدویت را بیان کرده است شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

۲. حدود ۶۸ نفر از صحابه پیامبر احادیث مهدوی را بی واسطه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شنیده و نقل کرده‌اند. (نام ۳۳ نفر با روایاتشان در کتاب طبقات راویان احادیث مهدویت آمده است)

۳. دست کم ۱۶۴ نفر از دانشمندان اهل سنت روایات مهدویت را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

۴. بیش از ۶۲ تن از دانشمندان اهل سنت به متواتر بودن احادیث مهدویت در کتاب‌های خود تصریح کرده‌اند. (ابوالفیض شافعی (احمد بن محمد بن الصدیق) استاد دانشگاه الازهر در کتاب ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون در هر طبقه ۳۰ راوی را نام برده است)

۵. صحت احادیث امام مهدی را ۳۷ تن از نویسندگان اهل سنت بیان کرده‌اند. (در انتظار ققنوس، این تعداد، شصت نفر ذکر شده است.)

آمار احادیث

کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام هشت جلدی:

۵۶۳ حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جلد‌های یک، دو و سه ۸۶۷ حدیث از ائمه علیهم السلام جلد‌های چهار و پنج و شش

۴۲۲ حدیث تفسیری در ذیل آیات مهدوی جلد هفتم جلد هشتم، فهرست. مجموعاً ۱۸۵۲ حدیث

کتاب منتخب الاثر سه جلدی ۱۲۸۷ حدیث را به صورت موضوع بندی آورده است.

انواع کلی احادیث

احادیث مهدویت در نگاه کلی می‌تواند چهار نوع باشد:

۱. روایات تفسیری: روایاتی که تفسیر و تأویل آیات را به امام مهدی علیه السلام بیان می‌کند.

۲. روایات اخباری: روایاتی که از آینده خبر می‌دهد. مانند: نشانه‌های ظهور، نحوه حکومت حضرت

۳. روایات تاریخی: روایاتی که از گذشته خبر می‌دهد. مانند: نحوه ولادت، تاریخ زندگانی امام و تشرفات به محضر امام.

۴. روایات تبیینی: روایاتی که روشن‌گر هستند. مانند بیان علت غیبت، اهمیت انتظار، وظایف منتظران، حکم گفتن نام امام.

تقسیم بندی احادیث

احادیث عام: احادیثی که شامل تمام امامان علیهم السلام است.

حدیث ثقلین

مرگ جاهلی

دوازده جانشین

امان اهل زمین

احادیث خاص: احادیثی که ویژه امام مهدی علیه السلام است.

احادیث عام

۱. حدیث ثقلین

متن حدیث

صحیح مسلم (م ۲۶۱)، ج ۴ ص ۱۸۷۳، حدیث ۳۶ (۲۴۰۸): زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ... قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فِينَا خَطِيبًا، بِمَاءٍ يُدْعَى خُمًّا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ وَعَظَ وَ ذَكَرَ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا بَعْدُ، أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبْ، وَ أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ، وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ. فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي.

فَقَالَ لَهُ حُصَيْنٌ: وَمَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ يَا زَيْدُ أَلَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؟

قَالَ: نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ لَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مِنْ حُرِّمِ الصَّدَقَةِ بَعْدَهُ.

سند حدیث

مسلم با چهار سند این روایت را از زید بن ارقم نقل کرده است.

سنن ترمذی (۲۷۹م)، ج ۵، ص ۶۶۳: از زید بن ارقم و ابو سعید خدری (وَعِثَرَتِي أَهْلُ نَيْبِي) نقل کرده و می آورد هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ أَلْبَانِي نیز حکم به صحت سند کرده

سنن الکبریٰ نسائی (۳۰۳م)، ج ۷، ص ۳۲۰: زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ

مصنف ابن ابی شیبہ (۲۳۵م)، ج ۶، ص ۳۰۹: زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

مسند أحمد (۲۴۱م)، ج ۱۷، ص ۱۶۹: ابو سعید خدری و ج ۳۲، ص ۱۰: زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ و ج ۳۵، ص ۴۵۶: زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

سنن دارمی (۲۵۵) و مسند بزاز (۲۹۲م) و مسند ابی یعلیٰ موصلی (۳۰۷م) و صحیح ابن خزیمه (۳۱۱م) و طبرانی (۳۶۰م) در معجم الکبیر و الاوسط و الصغیر) و المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری (۴۰۵م) (حَدِيثُ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ عَلَيَّ شَرْطُ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ) و سنن الکبریٰ بیهقی (۴۵۸م)

۳۴ صحابه نقل کرده‌اند و ۱۸۷ نفر از اهل سنت در کتب خود آورده‌اند.

فهم بزرگان اهل سنت

سمهودی (م ۹۱۱): هذا الخبر يفهم وجود من يكون أهلا للتمسك به من أهل البيت و العترة الطاهرة في كل زمن إلي

قيام الساعة. علامه مناوی، فیض القدير (شرح جامع الصغیر سیوطی) ج ۳ ص ۱۵

ابن حجر هیتمی (احمد بن محمد) (م ۹۷۴): ثُمَّ اعْلَمَ أَنَّ لِحَدِيثِ التَّمَسُّكِ بِذَلِكَ طَرَقًا كَثِيرَةً وَرَدَتْ عَنْ نَيْفٍ وَ عَشْرِينَ صَحَابِيًا... وَ فِي بَعْضِ تِلْكَ الطَّرِيقِ أَنَّهُ قَالَ ذَلِكَ بِحُجَّةِ الْوَدَاعِ بِعَرَقَةٍ وَ فِي أُخْرَى أَنَّهُ قَالَهُ بِالْمَدِينَةِ فِي مَرَضِهِ وَ قَدْ امْتَلَأَتْ الْحُجْرَةَ بِأَصْحَابِهِ وَ فِي أُخْرَى أَنَّهُ قَالَ ذَلِكَ بِغَدِيرِ خَمٍّ وَ فِي أُخْرَى أَنَّهُ قَالَهُ لَمَّا قَامَ خَطِيبًا بَعْدَ انْصِرَافِهِ مِنَ الطَّائِفِ كَمَا مَرَّ وَ لَا تَنَافَى إِذْ لَا مَانِعَ مِنْ أَنَّهُ كَرَّرَ عَلَيْهِمْ ذَلِكَ فِي تِلْكَ الْمَوَاطِنِ وَ غَيْرَهَا اهْتِمَامًا بِشَأْنِ الْكِتَابِ الْعَزِيزِ وَ الْعَتَرَةِ الطَّاهِرَةِ... وَ فِي أَحَادِيثِ الْحَثِّ عَلَيَّ التَّمَسُّكِ بِأَهْلِ الْبَيْتِ إِشَارَةٌ إِلَيَّ عَدَمِ انْقِطَاعِ مَتَأَهْلِ مِنْهُمْ لِلتَّمَسُّكِ بِهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا أَنَّ الْكِتَابَ الْعَزِيزَ كَذَلِكَ وَ لِهَذَا كَانُوا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ... ثُمَّ أَحَقَّ مِنْ يَتَمَسَّكَ بِهِ مِنْهُمْ إِمَامُهُمْ وَ عَالِمُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ لَمَّا قَدَّمَاهُ مِنْ مَزِيدِ عِلْمِهِ وَ دَقَائِقِ مُسْتَنْبَطَاتِهِ وَ مَنْ ثُمَّ قَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى عَتَرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيْ الَّذِينَ حَثَّ عَلَيَّ التَّمَسُّكِ بِهِمْ فَخَصَهُ بِمَا قُلْنَا وَ كَذَلِكَ خَصَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَا مَرَّ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ.

الصواعق المحرقة علي أهل الرفض و الضلال و الزندقة، ج ۲، ص ۴۴۰

عبدالرؤوف مناوی (م ۱۰۳۱)، کلام ابن حجر را نقل کرده و می‌آورد: زاد فی روایة كهاتین و أشار بأصبعیه و فی هذا مع

قوله أولا إني تارك فيكم تلويح بل تصريح بأنهما كتوأمين خلفهما و وصي أمته بحسن معاملتهما و إثبات حقهما علي أنفسهما و استمساک بهما فی الدین أما الكتاب فلأنه معدن العلوم الدينية و الأسرار و الحكم الشرعية و كنوز الحقائق و خفايا الدقائق و أما

العتره فلأن العنصر إذا طاب أعان علي فهم الدين فطيب العنصر يؤدي إلي حسن الأخلاق و محاسنها تؤدي إلي صفاء القلب و نزاهته و طهارته. فيض القدير (شرح جامع الصغير سيوطي) ج ٣ ص ١٥

فهم وهابي

(عبد الله بن عبد المحسن التركي) رئيس دانشگاه محمد بن سعود شهر ریاض عربستان

پاورقی کتاب مسند أحمد (چاپ موسسه الرسالة ٤٥ جلدی که با اشراف وی چاپ شده) ج ١٧، ص ١٧٥: در توضیح حدیث «إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ» و عترتی: كَأنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جعلهم قائمين مقامه، فكما كان في حياته القرآن و النبي، كذلك بعده القرآن و أهل بيته، و لكن قيامهم مقامه في وجوب المحبة و المراعاة و الإحسان، لا في العمل بأقوالهم و آرائهم، بل المرجع في العمل، الكتاب و السنة، و الله تعالى أعلم.

قلنا: و قد ورد التصريح بأن المراد من قوله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "و عترتی أهل بیتی" هو وجوب مراعاتهم و محبتهم، و اجتناب ما یسوءهم، و الاحتراز عما یؤذیهم و ما ورد مما يفهم منه وجوب الاقتداء بهم، و الأخذ بأقوالهم و العمل بها، مثل قوله: "لن تضلوا بعدهما" أو: "لن تضلوا إن اتبعتموهما"، فأسانيده ضعيفة لا يصلح الاحتجاج بها، و هذه التثنية: (بعدهما) (اتبعتموهما) من أوهام ضعفة الرواة، و يؤيد ذلك أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في خطبة حجة الوداع لم يذكر سوي وجوب الاعتصام بكتاب الله تعالى، فقال -كما عند مسلم من حديث جابر-: "تركت فيكم ما لن تضلوا بعده إن اعتصمتم به، كتاب الله" و لم يذكر العتره و لما قفل من حجة الوداع، و نزل غدیر خُم، أحس بدنو أجله و قال: "يوشك أن يأتيني رسول ربی فأجيب" فأوصاهم بالاعتصام بكتاب الله مرة أخرى و أردف ذلك بتذكيرهم بعترته أهل بيته، فقال: "إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله، و عترتی أهل بیتی" فقله هنا: "و عترتی أهل بیتی" منصوب بفعل محذوف، یعنی: "احفظوا عترتی" أو "أذكرکم الله فی عترتی" كما هو نص مسلم.

نقل دیگر حدیث ثقلین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ اثْنَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ، وَ نَسَبِي، وَ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ».

نور الدين هيثمى (على بن ابى بكر) (٨٠٧م)، كشف الأستار عن زوائد البزار، ج ٣، ص ٢٢٣: حديث ٢٦١٧

نسبی نیز گویای همان عترتی و اهل بیتی است.

البته حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین، ج ١، ص ١٧٢ این حدیث ابو هریره را کِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي، آورده است.

لذا به بررسی واژه «سنتی» در روایات می پردازیم.

موطأ مالک (م ۱۷۹)، ج ۵، ص ۱۳۲۳ حدیث ۶۷۸/۳۳۳۸: مَالِكُ؛ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ

این حدیث چون سند ندارد و مرسل است قابل پذیرش نیست.

التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، (یوسف بن عبد الله، ابن عبد البر القرطبی (م ۴۶۳))، ج ۲۴، ص ۳۳۱: وَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يُحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّبَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ الْفَرَّائِضِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنِيُّ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَوْفٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

کثیر بن عبد الله را ضعیف و دروغ‌گو خوانده‌اند.

السنة مروزی، (م ۲۹۴)، ص ۲۵: حدیث ۶۸: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى، ثنا ابْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ، وَ عَنْ ثَوْرٍ بْنِ زَيْدٍ الدَّبَلِيِّ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... وَ قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَبْهَأَ النَّاسِ مَا إِنْ اغْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ.

اسماعیل بن ابی اویس توسط نسائی تضعیف شده

الشریعة، محمد بن حسین أجری (م ۳۶۰)، ج ۵، ص ۲۲۱۹: حدیث ۱۷۰۴: وَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي دَاوُدَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبَةَ الرَّبْعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى أَبُو غَسَّانَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَ النَّاسَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ فَقَالَ: ... ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِهَا: «أَلَا وَ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اغْتَصَمْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ.

عبد الله بن شبيب ربعی تضعیف شده است.

المستدرک علي الصحيحين حاكم (م ۴۰۵)، ج ۱، ص ۱۷۱، حدیث ۳۱۸: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيه، أَنبَأَ الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَسْفَاطِيُّ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، وَ أَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْفَضْلِ الشَّعْرَانِيُّ، ثنا جَدِّي، ثنا ابْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ ثَوْرٍ بْنِ زَيْدٍ الدَّبَلِيِّ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اغْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

اسماعیل بن ابی اویس توسط نسائی تضعیف شده

المستدرک علي الصحيحين للحاكم (۱/ ۱۷۲): ۳۱۹ - أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيه، أَنبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ السَّكَنِ الْوَأَسِطِيُّ، ثنا دَاوُدُ بْنُ عَمْرٍو الضَّبِّيُّ، ثنا صَالِحُ بْنُ مُوسَى الطَّلْحِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُفَيْعٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ

ابن حجر، صالح بن موسى الطلحي را متروک خوانده (حدیث وی را باید ترک کرد).

معنای اهل بیت در حدیث ثقلین

قرآن (۳۳ احزاب): إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

سنن الترمذی (۵/ ۳۵۲): ۳۲۰۶ - حَدَّثَنَا عَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: «الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا} هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ

معنای عترتی

ابن اثیر در النهاية، ج ۳، ص ۱۷۷، می گوید: عِتْرَةُ الرَّجُلِ: أَخَصُّ أَقَارِبِهِ وَ عِتْرَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلَبِ. وَ قِيلَ: أَهْلُ بَيْتِهِ الْأَقْرَبُونَ وَ هُمْ أَوْلَادُهُ وَ عَلِيُّ وَ أَوْلَادُهُ.

معلوم است که عترت همة منسوبان به پیامبر ﷺ را در بر نمی گیرد بلکه به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن افرادی همتای قرآن هستند که تمسک به آنان مانع از لغزش است.

قال الحکیم (الترمذی): وَ المراد بعترته هنا العلماء العاملون إذ هم الذين لا يفارقون القرآن أما نحو جاهل و عالم مِخْلَطٍ بالكسر الذي يَخْلُطُ الأشياءَ فيلبسها علي السامعين و الناظرين) فأجنبى من هذا المقام.

علامه مناوی فیض القدیر ج ۳ ص ۱۵،

امام مهدی علیه السلام از عترت و اهل بیت است

سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷ حدیث: ۴۲۸۴ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّقِّيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو الْمَلِيحِ الْحَسَنُ بْنُ عَمْرٍ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بَيَّانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نَفِيلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِتْرَتِي، مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ»

سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ حَدِيثُ ۲۲۳۰ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقُرَشِيِّ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ عَاصِمِ ابْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي.

سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸ حدیث ۲۷۷۹ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، ح وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ الْوَاسِطِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، ح وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ، كُلُّهُمُ عَنْ قَيْسٍ، عَنْ أَبِي حُصَيْنٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.

۲. مرگ جاهلی

متن حدیث

مسند أبی داود الطيالسی (م ۲۰۴)، ج ۳، ص ۴۲۵ حدیث ۲۰۲۵: حَدَّثَنَا خَارِجَةُ بْنُ مُصْعَبٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

منابع حدیث

نه نفر صحابی از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند.

مسند أحمد (م ۲۴۱)، ج ۲۸، ص ۸۸ حدیث ۱۶۸۷۶

السنة ابن أبی عاصم، (م ۲۸۷) ج ۲، ص ۵۰۳، حدیث ۱۰۵۷.

مسند بزار (البحر الزخار) (م ۲۹۲)، ج ۱۱، ص ۲۲، حدیث ۴۶۹۵.

مسند أبی یعلیٰ موصلی (م ۳۰۷)، ج ۱۳، ص ۳۶۶ حدیث ۷۳۷۵.

صحيح ابن حبان (م ۳۵۴)، ج ۱۰، ص ۴۳۴، حدیث ۴۵۷۳.

معجم كبير طبرانی (م ۳۶۰)، ج ۱۹، ص ۳۸۸، حدیث ۹۱۰.

معجم أوسط، طبرانی، ج ۶، ص ۷۰، حدیث ۵۸۲۰.

مسند الشاميين طبرانی، ج ۲، ص ۴۳۷، حدیث ۱۶۵۴.

حلیة الأولیاء، (ابونعیم اصفهانی) (م ۴۳۰)، ج ۳، ص ۲۲۴.

فہم ابوحاتم نویسنده صحیح ابن حبان

صحيح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۳۴ قَالَ أَبُو حَاتِمٍ: قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "مَاتَ مِيتَةُ الْجَاهِلِيَّةِ" مَعْنَاهُ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْتَقِدْ أَنَّ لَهُ إِمَامًا يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ حَتَّى يَكُونَ قِوَامُ الْإِسْلَامِ بِهِ عِنْدَ الْحَوَادِثِ وَ النَّوَازِلِ، مُقْتَنِعًا (ای مقبلاً) فِي الْإِنْقِيَادِ عَلَيَّ مَنْ لَيْسَ نَعْتُهُ مَا وَ صَفْنَا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

قَالَ أَبُو حَاتِمٍ: ظَاهِرُ الْخَبَرِ أَنَّ مَنْ مَاتَ، وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، يُرِيدُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةِ، لِأَنَّ إِمَامَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي الدُّنْيَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ إِمَامَتَهُ، أَوْ اعْتَقَدَ إِمَامًا غَيْرَهُ مُؤَثِّرًا قَوْلَهُ عَلَى قَوْلِهِ، ثُمَّ مَاتَ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.

فهم ایشان از «بغیر امام» اعتقاد نداشتن است و از «امام» دعوت کننده به سوی الله است و مصداق آن را پیامبر ﷺ می داند.

نقل دیگر حدیث مرگ جاهلی

صحيح مسلم (م ۲۶۱)، ج ۳، ص ۱۴۷۸، حدیث ۵۸ - (۱۸۵۱): حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ الْعَنْبَرِيُّ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا عَاصِمٌ وَ هُوَ ابْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ نَافِعٍ، قَالَ: جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ ... فَقَالَ: ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَمَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً».

مسلم با سه سند این حدیث را نقل کرده است.

مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (م ۱۰۱۴)، ج ۶، ص ۲۳۹۸: (وَمَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ) أَيْ لِإِمَامٍ (مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً) وَ هُوَ مَعْنَى مَا اشْتَهَرَ عَلَى الْأَلْسِنَةِ، وَ ذَكَرَهُ السَّعْدُ فِي شَرْحِ الْعُقَايِدِ مِنْ حَدِيثٍ (مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً)

وی نیز از بیعت، معرفت فهمیده است.

پس در هر زمانی امامی هست که دعوت به خداوند می کند و شناخت وی بر مردم لازم است.

نقل دیگر حدیث مرگ جاهلی

صحيح بخاری (م ۲۵۶)، ج ۹، ص ۴۷، حدیث ۷۰۵۳ - حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ، عَنْ الْجَعْدِ، عَنْ أَبِي رَجَاءٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحيح البخاری، ج ۹، ص ۴۷، ح ۷۰۵۴ - حَدَّثَنَا أَبُو النُّعْمَانِ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنِ الْجَعْدِ أَبِي عُثْمَانَ، حَدَّثَنِي أَبُو رَجَاءٍ الْعَطَارِدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ، إِلَّا مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحيح مسلم، سنن نسائی، مصنف ابی شیبہ، مسند احمد، سنن دارمی، مسند ابی یعلی، معجم الكبير طبرانی...

چنان که روشن است حاصل این تغییر منصرف کردن اذهان از امام به امیر و سلطان و نیز از امام به اکثریت مردم جامعه است.

سخن یک وهابی

سلسلة الأحادیث الضعيفة و الموضوعة و أثرها السيئ في الأمة، محمد بن نوح البانی، (م ۱۴۲۰) ج ۱، ص ۵۲۵) حدیث: ۳۵۰ "من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية". لا أصل له بهذا اللفظ.

وقد قال الشيخ ابن تيمية: و الله ما قاله رسول الله صلى الله عليه و سلم هكذا، و إنما المعروف ما روي مسلم أن ابن عمر ... و لو صح هذا الحديث لما كان فيه أدنى إشارة إلي ما زعموا (الشيعة)، و غاية ما فيه وجوب اتخاذ المسلمين إماما يبايعونه، و هذا حق كما دل عليه حديث مسلم و غيره.

نکته مهم این است که وی نیز می پذیرد معنای معرفت و بیعت یکی است.

۳. دوازده جانشین

متن حدیث

صحيح بخاری، ج ۹، ص ۸۱ حدیث ۷۲۲۲: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ، سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمْرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا»، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

منابع حدیث

صحيح مسلم، سنن أبي داود، سنن ترمذی، مسند احمد، مسند بزاز، مسند ابی یعلی، صحيح ابن حبان، معجم اوسط و كبير طبرانی، مستدرک علی الصحيحین و... از لحاظ کتاب و سند کسی در این روایات شکی ندارد.

سه حدیث تأمل برانگیز

پیش از پرداختن به معنا، توجه به متن سه حدیث لازم است.

مسند أحمد، ج ۳۴، ص ۴۷۲ حدیث ۲۰۹۲۷: عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً"، فَكَبَّرَ النَّاسُ وَضَجُّوا، وَقَالَ كَلِمَةً خَفِيَّةً قُلْتُ لِأَبِي: يَا أَبَتُ، مَا قَالَ؟ قَالَ: "كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ"

صحیح ابن حبان - محققا (۴۵ / ۱۵): ۶۶۶۳: عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا، يُنْصَرُونَ عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُمْ عَلَيْهِ إِلَّا اثْنَى عَشَرَ خَلِيفَةً" قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَصَمَّتْ بِهَا النَّاسُ، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: "كَلِمَةٌ مِنْ قَرِيشٍ"

المعجم الكبير للطبرانی (۲ / ۱۹۶) ۱۷۹۵: عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا ظَاهِرًا عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُ حَتَّى يَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ كُلُّهُمْ» ثُمَّ لَعَطَ (صوت و ضجّة لا يفهم معناها) النَّاسُ وَ تَكَلَّمُوا فَلَمْ أَفْهَمْ قَوْلَهُ بَعْدَ: كُلُّهُمْ، فَقُلْتُ لِأَبِي: يَا أَبَتَاهُ، مَا بَعْدَ قَوْلِهِ: كُلُّهُمْ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قَرِيشٍ»

چند پرسش

آیا برای احادیث دوازده جانشین که تا این اندازه مورد سفارش پیامبر ﷺ بوده و مؤلفان بزرگ اهل تسنن نیز بدان تأکید کرده‌اند، معنایی سطحی را می‌توان پذیرفت؟

آیا معنای گوناگون و متضاد از آن حدیث، با تواتر آن سازگاری دارد؟

آیا می‌توان گفت منظور پیامبر انحصار و پشت سر هم بودن امامان نبوده است؟

اگر منظور پیامبر این بوده که تا قیامت جانشینان فراوانی خواهند آمد و در میان آنان دوازده جانشین از قریش خواهند بود، این جمله برای مسلمانان چه سودی می‌توانست داشته باشد تا پیامبر ﷺ این همه بر آن تأکید کند؟

این احادیث چه خطری داشته که گروهی هنگام گفتن آن سروصدا می‌کرده‌اند و اجازه نمی‌داده‌اند پیام رسول خدا ﷺ به گوش مسلمانان برسد

حدیث انحصار

مسند أحمد ۶ / ۳۲۱ حدیث ۳۷۸۱: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ مُوسَى، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنِ الْمُجَالِدِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَهُوَ يُقْرَأُ الْقُرْآنَ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، هَلْ سَأَلْتُمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كَمْ تَمْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ خَلِيفَةٍ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ مُنْذُ قَدِمْتُ الْعِرَاقَ قَبْلَكَ، ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، وَلَقَدْ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: "اثْنَا عَشَرَ، كَعِدَةِ نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ"

مسند ابن ابی شیبہ ۱ / ۱۸۷ حدیث ۲۷۴: نا أَبُو أُسَامَةَ، عَنْ مُجَالِدٍ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ عَبْدَ اللَّهِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فَقَالَ: حَدِّثْكُمْ نَبِيَّكُمْ كَمْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ خَلِيفَةٌ، قَالَ: «نَعَمْ كَعِدَةِ نُبَاءِ مُوسَى»

إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، أحمد بن أبي بكر البوصيري الشافعي (المتوفى: ۸۴۰هـ) (۷ / ۸۲ حدیث ۶۴۳۵)

هَذَا إِسْنَادٌ حَسَنٌ

پس احادیث دوازده جانشین جز بر عقیده شیعه بر چیز دیگری دلالت نمی کند.

۴. امان اهل زمین

متن حدیث

فضائل الصحابة أحمد بن حنبل (م ۲۴۱)، (۲/ ۶۷۱) حدیث ۱۱۴۵ - وَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْنَا أَيْضًا، يَذْكُرُ أَنَّ يُوسُفَ بْنَ نَفِيسٍ حَدَّثَهُمْ قَتْنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ هَارُونَ بْنَ عَنَتَرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «النُّجُومُ أَمَانٌ لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ، إِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ، فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ» .

مسند الرويانی (م ۳۰۷)، (۲/ ۲۵۸) حدیث ۱۱۶۵ - نَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ، نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ، نَا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ، عَنْ إِيَّاسِ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «النُّجُومُ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي»

منابع حدیث

المعجم الكبير طبرانی (۲۲/ ۷) حدیث ۶۲۶۰

المستدرک علي الصحيحين حاکم (۲/ ۴۸۶) حدیث ۳۶۷۶

ترتيب الأمالي الخميسية شجرى (م ۴۹۹)، (۱/ ۲۰۰) حدیث ۷۴۲ در ادامه حدیث دارد: فَوَيْلٌ لِمَنْ خَذَلَهُمْ وَ عَانَدَهُمْ.

جامع المسانيد و السنن ابن كثير (م ۷۷۴)، (۳/ ۵۷۷) حدیث ۴۵۱۳

المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، ابن حجر العسقلاني (م ۸۵۲) (۱۶/ ۲۱۵) حدیث ۳۹۷۲

الفتح الكبير في ضم الزيادة إلي الجامع الصغير، سيوطي (م ۹۱۱)، (۳/ ۲۵۶) حدیث ۱۲۷۲۵

دلالت حدیث

حکیم ترمذی (م ۳۲۰) در نوادر الأصول فی احادیث الرسول (۳/ ۶۳): وَ قَوْلُهُ (أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي) فَأَهْلُ بَيْتِهِ مِنْ خَلْفِهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ مِنْهَا... فَهَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَمَانٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ فَإِذَا مَاتُوا فَسَدَتْ الْأَرْضُ وَ خَرَبَتْ الدُّنْيَا مناوی در فیض القدير (۶/ ۲۹۷): شبههم بنجوم السماء و هی التي يقع بها الاهتداء و هی الطوالع و الغوارب و السيارات و الثابتات فکذلک بهم الاقتداء و بهم الأمان من الهلاك و بعد سخن ترمذی را نقل می کند.

این احادیث نیز بر وجود همیشگی اهل بیت دلالت دارد.

احادیث خاص

انواع احادیث خاص

الف) احادیث مشترک میان شیعه و سنی.

ب) احادیث اختلافی میان شیعه و سنی.

عرصه‌های مشترک

۱. عقیده به اصل مهدویت
۲. اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه لازم است.
۳. از اهل بیت پیامبر ص است.
۴. از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است.
۵. هم نام با پیامبر ص است.
۶. دلیل لقب «مهدی» داشتن امام
۷. برخی مشخصات ظاهری امام
۸. بشارت ظهور و واقع شدن در آخر زمان
۹. جهانی بودن حکومت و عدالت مهدوی
۱۰. جوان بودن هنگام ظهور
۱۱. رسیدن امداد الهی برای امام
۱۲. واقعه خسف بیداء
۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام
۱۴. تعداد یاران اولیه (۳۱۳ تن)
۱۵. محل بیعت آنان (مسجد الحرام بین رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم)
۱۶. نعمت‌های فراوان در دوران امام
۱۷. خارج شدن ثروت‌های زمین برای امام

عرصه‌های اختلافی

عرصة اول: ولادت امام مهدی علیه السلام

عرصة دوم: نَسَب امام مهدی علیه السلام

عرصة اول: ولادت امام مهدی علیه السلام

ما شیعیان معتقدیم حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمده است.

اکثر اهل تسنن به ولادت حضرت مهدی علیه السلام معتقد نیستند.

دلیل‌های ما بر ولادت

تصریح امام عسکری علیه السلام به ولادت فرزندش مختصر اثبات الرجعه ح ۱۱ و کافی ج ۱ ص ۳۲۸ ح ۲

گواهی قابله (حکیمه خاتون) به ولادت امام مهدی علیه السلام کمال الدین ج ۲ باب ۴۲

گواهی ۴۶ نفر از کسانی که حضرت را در نوزادی دیده‌اند. کمال الدین ج ۲ باب ۴۳

گواهی و کلای امام (۸ شهر) بعضی شهرها چند نفر. کمال الدین ج ۲ باب ۴۳

گواهی غیر وکلا از ۱۲ شهر، اختلاف جغرافیایی شهرها دلیل عدم هم‌کاری آنها برای دروغ‌پردازی است.

کمال الدین ج ۲ باب ۴۳

گواهی ۶ تن از کنیزان و غلامان منزل امام. کمال الدین ج ۲ باب ۴۳

شکل برخورد حکومت وقت با منزل امام.

اعتراف تبارشناسان و جمع زیادی از دانشمندان سنی بر ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام ر. ج. کتاب در انتظار ققنوس و

گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور.

اعتراف برخی از اهل سنت بر مهدی بودن فرزند امام عسکری علیه السلام است. ر. ج. کتاب در انتظار ققنوس و گزارش لحظه به

لحظه از میلاد نور.

عرصة دوم: نَسَب امام مهدی علیه السلام

ما شیعیان معتقدیم حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

برای اثبات عقیده شیعه ذکر روایت لازم نیست چون صدها روایت شیعی نَسَب امام مهدی علیه السلام را می‌رساند.

آیت الله ابوطالب تجلیل تبریزی در کتاب من هو المهدی (ترجمه شده به فارسی به نام کتاب مهدی علیه السلام کیست؟) آن روایات را جمع آوری کرده است.

اکثر اهل سنت معتقدند حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است.

هر چند ۱۸ نفر از علمای آنها به حسینی بودن امام مهدی (علیه السلام) اعتراف دارند.

دلیل اعتقاد آنها، وجود تنها یک روایت در کتاب سنن ابی داود است.

حدیث سنن ابی داود

سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۸ حدیث ۴۲۹۰: قَالَ أَبُو دَاوُدَ: حَدَّثْتُ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي قَيْسٍ، عَنْ شُعَيْبِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَنَظَرَ إِلَيَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ، فَقَالَ: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدُ كَمَا سَمَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَسَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يُسَمَّى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يُشَبِّهُهُ فِي الْخُلُقِ، وَلَا يُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ - ثُمَّ ذَكَرَ قِصَّةً - يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا»

پاسخ به حدیث سنن ابو داود

دو پاسخ برای این حدیث وجود دارد:

پاسخ اول: نفی حدیث، که شامل سه قسمت است.

پاسخ دوم: اثبات حدیث، که یک قسمت است.

(سید ثامر هاشم العمیدی در کتاب المهدی المنتظر هفت دلیل بر جعلی بودن این روایت آورده است.)

پاسخ اول

۱. سندی: (ذکر نکردن نام راوی)

حدیث مقطوع است. چون ابو اسحاق سیعی در هنگام شهادت امام علی (علیه السلام) تنها هفت سال داشته و تنها یک بار یا یک

لحظه آن حضرت را دیده است بنابر این واسطه میان او و امام علی (علیه السلام) ذکر نشده است. عون المعبود ج ۱۱ ص ۲۵۶ و تحفة

الاخوان ج ۶ ص ۴۰۳

ابو داود با فعل مجهول نقل کرده و ظاهر این است که میان وی و هارون بن مغیره راوی ذکر نشده است. موسوعة فی

أحادیث الإمام المهدی، الضعیفة و الموضوعة بستوی ص ۳۴۸

۲. متنی: (تعارض با روایاتی که امام مهدی (علیه السلام) را از نسل امام حسین (علیه السلام) معرفی می کند).

۱. ابی وائل (شقیق بن سلمة الأسدی) از امام علی علیه السلام همین حدیث را «حسین» نقل کرده است. غیبت طوسی ص ۱۸۹ ح

۱۵۲

۲. جزری شافعی صاحب المناقب فی تهذیب اسنی المطالب (متوفی ۸۳۳) از ابو داوود، «حسین» نقل کرده است.

۳. ابن خلدون از ابو داود «حسین» نقل کرده است. مقدمة ابن خلدون، ج ۱ ص ۱۷۲

۴. احتمال تصحیف (تبدیل شدن کلمه حسین به حسن) وجود دارد.

ادامه پاسخ اول

۳. تاریخی: (ساختن مدرکی برای مدعیان دروغین)

این حدیث جعلی است و برای اثبات ادعای مهدویت محمد بن عبدالله (محض) بن حسن (مثنی) بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (متوفی ۱۴۵) ساخته شده است.

پاسخ دوم

این حدیث با احادیثی که می‌گوید امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است، قابل جمع است و منافاتی ندارد.

امام مهدی علیه السلام از پدر حسینی و از مادر حسنی است زیرا جناب فاطمه دختر امام حسن علیه السلام همسر امام سجاد علیه السلام بود.

بنابراین امام باقر علیه السلام و نسل ایشان هم حسنی هستند هم حسینی و امام مهدی علیه السلام نیز از نسل امام باقر علیه السلام است.

منابع

۱. من هو المهدی علیه السلام (ترجمه جلیل تجلیل مهدی کیست؟) ابوطالب تجلیل
۲. طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت عبدالکریم عبداللہی
۳. المهدی المنتظر علیه السلام فی الفكر الإسلامی سید ثامر هاشم العمیدی
۴. در انتظار ققنوس ترجمه المهدی المنتظر علیه السلام مترجم مهدی علی‌زاده
۵. مهدی منتظر در اندیشه اسلامی ترجمه المهدی المنتظر علیه السلام مترجم محبوب القلوب
۶. امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین گروهی
۷. امام مهدی علیه السلام در حدیث نبوی گروهی
۸. بررسی تطبیقی روایات مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت مهدی اکبرنژاد
۹. همراه با مهدی منتظر (بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی)، مهدی قتلاوی، ترجمه بیژن کرمی

۱۰. اتفاق در مهدی موعود

سید علی اکبر قرشی

۱۱. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور

علی اکبر مهدی پور

۱۲. المهدی

سید صدر الدین صدر

مفهوم غیبت

مفهوم‌های نادرست:

معنای افراط گرایانه:

الف. امام در این کرة خاکی نیست. نظر فرقة شیخیه: امام زمان عجل الله تعالی فرجه در هورقلیا (عالم مثال) است.

این معنا با روایات ما منافات دارد.

الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع تَكُونُ الْأَرْضُ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ قَالَ لَا قُلْتُ يَكُونُ إِمَامَانِ قَالَ لَا.^۱

این معنا نیز با روایات ما منافات دارد.

ب. امام در دنیاست اما به دور از جامعه (مثلا در جزیره خضراء) زندگی می‌کند.

أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ بُسْطَهُمْ.^۲

معنای تفریط جویانه:

هر کس بخواهد می‌تواند امام زمان عجل الله تعالی فرجه را در خواب، بیداری یا مکاشفه ببیند.

این معنا نیز با روایات ما منافات دارد. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ

يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَبَّتْهُمْ الْحُبَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادٍ عَلَيَّ بَيَاض.^۳

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ

مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَ لَمْ

يَرَوْنِي^۴

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱.

۲. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۴.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۲۸۸

۴. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص: ۸۴

مفهوم درست:

امام در جامعه حضور دارد اما به صورت ناشناس فعالیت می‌کند.

این معنا از روایات قابل استفاده است. وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالَسُّرُ يُجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ^۱

انواع غیبت

الف. غیبت صغری:

زمان: از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و تا سال ۳۲۹ ادامه یافت.

ویژگی: وجود نایبان خاص که ارتباط میان امام علیه السلام و امت را برقرار می‌کردند.

ب. غیبت کبری:

زمان: از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع و تا زمان ظهور ادامه دارد.

ویژگی: نبود نایبان خاص و قطع ارتباط مشخص میان امام علیه السلام و امت و اِعمال ولایت و رهبری از طریق نایبان عام (ولیّ

فقیه و مجتهد جامع الشرایط)

پیشینه غیبت

۱. غیبت پدیده‌ای نو ظهور و بی‌سابقه نیست.

۲. غیبت از سنت‌های الهی است که در انبیاء گذشته (ادریس، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی) نیز اتفاق افتاده است.

۳. جالب توجه است که پیشینه داشتن غیبت مورد توجه امام زمان علیه السلام است و به شیخ صدوق می‌فرماید این موارد را

بیان نماید. صَنَّفَ الْأَنَ كِتَاباً فِي الْغَيْبَةِ وَ اذْكُرُ فِيهِ غَيْبَاتِ الْأَنْبِيَاءِ (كمال الدین، ج ۱، ص ۳)

۴. توجه به پیشینه غیبت و سنت الهی بودن آن، تنها برای رفع استبعاد و پذیرش آسان غیبت است.

۵. اگر هیچ یک از این غیبت‌ها پذیرفته نشود آسیبی به غیبت امام زمان علیه السلام نمی‌زند زیرا دلیل ما برای اثبات غیبت،

روایات متواتر است نه غیبت انبیا.

۶. نوع غیبت و کوتاه یا بلند بودن مدت آن دخالتی در پذیرش یا عدم پذیرش وقوع آن ندارد زیرا برهانی نیست که

نوع و مدت غیبت را معین یا محدود نماید بلکه بسته به وضع جامعه است. (غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۸)

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۳۵۰، ح ۴۶

حضرت ادریس: در زمان ایشان حاکم زمینی را غصب می‌کند و حضرت ادریس به دفاع برمی‌خیزد. حاکم می‌خواهد ایشان را بکشد که به غاری می‌رود و غایب می‌گردد.

حضرت صالح: هنگامی که ناقه را کشتند وی به دلیل ظلم بسیار مردم، غایب شد.

حضرت ابراهیم: یک بار از هنگام تولد تا بزرگ شدن به دلیل قتل فرزندان در شکم مادر درون غاری غایبانه متولد شد و رشد کرد.

بار دوم هنگامی که به دلیل نپرستیدن بت‌ها تهدید به قتل شد. «لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ» فرمود: «وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا». آیه ۴۸ سوره مریم

حضرت یوسف: به دلیل ظلم برادران بیست سال غیبت کرد.

حضرت موسی: یک بار از هنگام تولد به دلیل خطر از جانب فرعون.

بار دوم به دلیل خطر جانی بعد از کشتن قبطی در شهر مصر که ۲۸ سال طول کشید. در آیه بیست سوره قصص آمده است: وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ. «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

سوم در اواخر عمر بعد از وصیت به یوشع بن نون خود غایب شد و در آن حال نیز وفات نمود.

جانشینان موسی: از یوشع بن نون تا زمان حضرت داود که چهار صد سال طول کشید همه جانشینان حضرت موسی در غیبت زندگی می‌کردند.

حضرت داود و سلیمان: حضرت داود آشکارا مبارزه کرد و بعد از وی حضرت سلیمان جانشین شد در غیبت زندگی کرد تا بعد از یافتن انگشتر امر خویش را آشکار کرد بعد از وی آصف بن برخیا در میان مردم بود بعد مدت طولانی غیبت کرد و سپس در میان مردم آمد دوباره غایب شد تا در اثر غیبت وی بلا بر بنی اسرائیل شدت گرفت و بخت نصر تسلط یافت بعد از آصف، دانیال حجت خدا بود اما در غیبت به سر می‌برد و بلا بر آنها شدت یافت و به شک افتادند تا بخت نصر در اثر خوابی امور را به دانیال سپرد اما وی مدت کمی زنده ماند.

حضرت عزیر: وی نیز صد سال غایب شد بعد از وی نیز حجت‌ها غایب شدند و مشکلات بنی اسرائیل را فرا گرفت تا یحیی بن زکریا به دنیا آمد و مژده ظهور حضرت عیسی را بعد از بیست و چند سال به مردم داد.

فایده دانستن علت غیبت

۱. پذیرش و تحمل غیبت با دانستن علل آن، راحت تر است. وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰی مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا (سوره كهف آیه ۶۸)

۲. یکی از راه‌های زمینه سازی ظهور، کوشش در رفع علت‌های غیبت است.

اختلاف علت غیبت با آثار آن

منظور از **علت غیبت**، عواملی است که موجب شد تا غیبت واقع گردد.

منظور از **آثار غیبت**، اموری است غیبت موجب به وجود آمدن آنها شد.

بیانی عقلی علت غیبت

۱. حضور ظاهری امام در جامعه نعمتی بزرگ است و غیبت ایشان محرومیتی عظیم است.
۲. در این بحث تفاوتی نمی‌کند که امام به چه دلیل در جامعه حضور داشته است. (رد و اثبات برهان لطف به این بحث مربوط نمی‌شود)
۳. هر علتی که گفته شود هرگز نافی یا در عرض مشیت الهی نیست.
۴. علت این محرومیت را می‌توان با حصر عقلی بیان کرد: علت یا خدا است یا غیر خدا. غیر خدا یا امام است یا غیر امام. غیر امام یا انسان‌ها هستند یا غیر انسان‌ها. علت خدا یا امام یا غیر انسان‌ها نمی‌تواند باشد. پس با یک انحصار عقلی مشخص می‌شود انسان‌ها موجب غیبت شده‌اند.
۵. طبیعی است که حسن رفتار موجب محرومیت نمی‌شود. پس سوء رفتار مردم موجب غیبت امام شده است.

علت‌های نقلی غیبت

بعد از بیان عقلی به بیان نقلی می‌پردازیم. روایات برخی از علت‌های غیبت را بیان کرده‌اند.

۱. خطر جانی
۲. بیعت نکردن امام با طاغوت
۳. کوتاهی مردم
۴. سنت الهی

۱. خطر جانی

- امام نهم امام جواد علیه السلام در ۲۵ سالگی به شهادت می‌رسد.
- امام دهم امام هادی علیه السلام رسماً به یک شهر نظامی (سامرا) برده می‌شود تا تحت نظر و محدود گردد.
- امام یازدهم امام عسکری علیه السلام در سامرا نیز تحمل نمی‌شود و در سن ۲۸ سالگی به شهادت می‌رسد.
- حکومت حتی تحمل ولادت امام دوازدهم علیه السلام را نیز ندارد و مدام منزل امام عسکری علیه السلام کنترل می‌شود.
- پس خطر جانی برای امام دوازدهم علیه السلام بسیار جدی است.
- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ لِلْقَائِمِ علیه السلام غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ. قُلْتُ: وَلِمَ قَالَ: إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْصِي الْقَتْلَ. (کافی، ج ۱، ص: ۳۳۸ ح ۹) زرارہ گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: همانا برای حضرت قائم علیه السلام پیش از آن که ظهور کند غیبتی است، عرض کردم: برای چه؟ فرمود: زیرا او می‌ترسد و با دست اشاره به شکمشان فرمود. یعنی از کشته شدن می‌ترسد.

پرسش اول

چرا امام زمان علیه السلام مانند اجداد خود آماده شهادت نمی‌شود؟

پاسخ: ۱. شهادت وقتی امر مطلوبی است که موجب رسیدن به هدف شود. اما اگر شهادت، مرگی بی‌حاصل باشد و سودی نداشته باشد نمی‌توان خود را به کشتن داد.

۲. امام مأمور تشکیل دولت حق است و شهادتش موجب از میان رفتن این هدف می‌شود لذا باید سالم بماند و هدف خود را

محقق سازد.

پرسش دوم

آیا چنین خطری امامان سابق علیهم السلام را تهدید نمی‌کرد چرا آنان غایب نشدند؟

پاسخ یکم؛ روشن است که حفظ دین، مهم‌تر از حفظ جان امام است. غیبت امامان سابق علیهم السلام موجب از بین رفتن اسلام می‌شد زیرا هنوز پایه‌های لازم برای بقای دین پی‌ریزی نشده بود. بنابراین امامان علیهم السلام غایب نشدند با آن که مردم لیاقت آنها را نداشتند.

پاسخ دوم؛ امامان سابق علیهم السلام مأمور به تقیه بودند. بنابراین با کتمان سرّ، و بیعت ظاهری با طاغوت زمان خود جانشان محفوظ می‌ماند. در حالی که امام زمان علیه السلام مأمور ایجاد دولت حق و مبارزه با دولت باطل است پس اجازه تقیه و بیعت با حاکم زمان

را ندارد (علت دوم). علاوه که حکومت‌های باطل نیز از این مأموریت امام اطلاع داشتند لذا سخت‌گیری و خطر جانی برای امام زمان علیه السلام بسیار شدیدتر و جدی‌تر بود. (شیخ طوسی علت اصلی غیبت را همین می‌داند).

۲. بیعت نکردن امام

اگر بیعتی بر گردن امام باشد قیام نمی‌کند. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ... لَا يَقُومُ الْقَائِمُ وَلَا أَحَدٌ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ. الغيبة، نعمانی، ص ۱۷۱ ح ۳

بنابراین غیبت اتفاق افتاد تا بیعتی نباشد. عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: ... إِمَامُهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ وَلِمَ قَالَ لِكُلِّكَ يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۸۰، ح ۴

اسحاق بن یعقوب نامه‌ای توسط نایب دوم به امام ارسال کرد که می‌گوید: فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام ... وَ أَمَّا عَلَةً مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي. (الاحتجاج علي أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۱) و اما علت غیبت پس خداوند عزوجل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند پرسید.» هیچ یک از پدرانم نبوده مگر آن که بیعت طاغوت زمانش در گردن او بوده و من هنگام قیام، بیعت هیچ یک از طاغوتیان را بر گردن نخواهم داشت.

۳. کوتاهی مردم

حدیث اول: غیبت نعمانی، ص ۱۴۱، ح ۲: عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ عَلَيَّ مِنْبَرُ الْكُوفَةِ ... وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْطِي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ. مفضل بن عمر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ... امیر المؤمنین عليه السلام بر منبر کوفه فرمود: ... و بدانید که زمین از حجت خدای عزوجل خالی نمی‌ماند ولی خدا به زودی چشمان مردم را از او نابینا می‌سازد به دلیل ظلم و جورشان و زیاده‌روی آنان نسبت به خودشان.

حدیث دوم: کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ. محمد بن فرج گوید: امام باقر عليه السلام به من نوشت: زمانی که خدای تبارک و تعالی بر خلقش خشم گیرد، ما را از مجاورت آنها دور می‌کند.

حدیث: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۸۱ ح ۶ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِقَائِي مِنْكُمْ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا. فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» أَيْ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ؛ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَوَايَتٌ كُنْدٌ كَهْ فَرَمُود: بَرَايَ قَائِمٍ عليه السلام غَيْبَتِي اسْتِ كَهْ مَدَّتْ أَنْ بَه طُولِ مِي أَنْجَامِد، گفتم: اِي فَرَزَنْدِ رَسُولِ خُدا! اَنْ بَرَايِ چِيسْت؟ فَرَمُود: زِيرَا خُدايِ تَعَالِي مِي خُواهِدِ دَرِ اَوْ سَنَّتْ هَايِ پِيَا مَبْرَانِ عليهم السلام رَا دَرِ غَيْبَتِ هَايِ شَانِ جَارِي كُنْدِ وَ اِي سَدِيرُ! گَرِيزِي اَزِ اَنْ نِيَسْتِ كَهْ مَدَّتْ غَيْبَتِ هَايِ اَنُهَا بَه سَرَايِد، خُدايِ تَعَالِي فَرَمُود: «هَرِ آيْنَه بَه حَالِي بَعْدِ اَزِ حَالِي بَرَسِيْد» يَعْنِي: سَنَّتْ هَايِ پِيَشِينِيَانِ دَرِ شَمَا جَارِي اسْتِ.

نکته مهم

برخی می‌گویند خداوند می‌تواند با معجزه امام را حفظ کند و اینها تنها راه نیستند پس اینها بیان علت غیبت نمی‌شود اما توجه ندارند که این خلاف سنت الهی و اختیار انسان‌ها است.

پنهان بودن علت غیبت

حدیث: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۱۱: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ. فَقُلْتُ وَ لِمَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ. قُلْتُ: فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ؟ قَالَ: وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غِيَابَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِيمَا آتَاهُ الْخَضِرُ ع مِنْ خَرْقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْعُلَآمِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَيَّ وَ قَتِ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنَّ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ. عبد الله بن فضل هاشمي گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: برای صاحب الامر غیبت ناگزیری است که هر باطل جویی در آن به شک می افتد، گفتم: فدای شما شوم، برای چه؟ فرمود: به خاطر امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم، گفتم: در آن غیبت چه حکمتی وجود دارد؟ فرمود: حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، همچنان که وجه حکمت کارهای خضر علیه السلام از شکستن کشتی و کشتن پسر و پاداشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید. ای پسر فضل این امر، امری از امور

الهي و سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیوب پروردگار است و چون دانستیم که خدای تعالی حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه افعال او حکیمانه است اگر چه وجه آن آشکار نباشد.

پاسخ حدیث

تنها در یک روایت علت غیبت سرّی از اسرار الهی معرفی شده است با در نظر گرفتن روایات فراوانی که علت غیبت را بیان می‌کنند دو نکته در مورد این روایت می‌توان گفت.

۱. توجیه روایت:

الف) امام برای این راوی یا در آن موقعیت اجازه گفتن علت غیبت را نداشته و چنین فرموده است.

ب) راوی علت گفته شده در روایات را می‌دانسته است و از امام سرّ و باطن همین علت را پرسیده است و امام فرموده اجازه گفتن آن را ندارند. یعنی حقیقت و باطن این علت را اجازه نداریم بیان کنیم.

۲. نپذیرفتن روایت: چون مضمون این روایت با روایات فراوانی که علت غیبت را بیان کرده در تعارض است این روایت را نمی‌پذیریم و علمش را به اهلش واگذار می‌کنیم.

آثار غیبت

روایات برخی از آثار غیبت را بیان کرده‌اند که در دو نوع کلی می‌توان دسته بندی کرد.

۱- آثار فردی که مهم‌ترین دست‌آورد آن پرورش یاران است.

۱. امتحان مردم

۲. جداسازی مؤمن از منافق

۲- آثار اجتماعی که مهم‌ترین دست‌آورد آن پذیرش جهانی است.

۳. فرصت‌یابی مدعیان

۴. ظرفیت‌یابی مردم

۱. امتحان مردم

حدیث اول: عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: ... يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ.^۱ علي بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر عليه السلام نقل کند که فرمود: ... پسر جان ناچار صاحب این امر غیبتی کند که معتقدان به امامت هم از آن برگردند، همانا امر غیبت یک آزمایشی است از جانب خدای عزوجل که خلقتش را به وسیله آن بیازماید.

حدیث دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ: ... وَ ذَلِكَ (خروج قائمنا) بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ.^۲ و آن پس از غیبتی طولانی است، تا خدا بداند چه کسی در دوران غیبت از او اطاعت کرده و بدو ایمان می‌آورد. (امتحان عقیدتی و عملی)

شیخ طوسی در مورد علت نبودن امتحان می‌گوید: و أما ما روى من الأخبار من امتحان الشيعة في حال الغيبة و صعوبة الأمر عليهم و اختبارهم للصبر عليه فالوجه فيها الإخبار عما يتفق من ذلك من الصعوبة و المشاق لا أن الله تعالى غيب الإمام ليكون ذلك و كيف يريد الله ذلك و ما ينال المؤمنين من جهة الظالمين ظلم منهم لهم و معصية و الله تعالى لا يريد ذلك.^۳

۲. جدا سازی مؤمن از منافق

حدیث اول: فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ لِلْقَائِمِ مِنْ وَلَدِكَ غَيْبَةٌ قَالَ إِي وَ رَبِّي وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ (ينقص ذهب برکته) الْكَافِرِينَ.^۴ آنگاه جابر بن عبد الله انصاری برخاست و پیش آمد و گفت: آیا قائمی که از فرزندان توست غیبت دارد؟ فرمود: به خدا چنین است تا در آن غیبت مؤمنان باز شناخته شده و کافران نابود شوند.

حدیث دوم: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْيَبَكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا وَ تُمَيَّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقِيَ مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَأَلَا تَنْدَرُ.^۵ صفوان بن یحیی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: آنچه شما چشمان خود را به سوی من دارید (منتظر و چشم به راه آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاکسازی و جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر کمتر و کمتر.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰ ح ۱۶.

۳. شیخ طوسی، کتاب الغيبة للحجة، ص: ۳۳۵

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۲۸۷ ح ۷.

۵. الغيبة نعمانی، ص: ۲۰۸ حدیث ۱۵

۳. فرصت یابی مدعیان

• حدیث: عَنْ أَبِي صَادِقٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَنْ يَبْقِيَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.^۱ امام محمد باقر عليه السلام فرمود: دولت ما آخرین دولت هاست هر خاندانی که توان حکومت دارند پیش از ما به حکومت می‌رسند تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند نگویند اگر ما به حکومت می‌رسیدیم مانند اینان (آل محمد عليه السلام) عمل می‌کردیم.

۴. ظرفیت یابی مردم

نا امیدی از مدعیان و ایجاد ظرفیت پذیرش حکومت معصوم، استعداد فکری (معنویت خواهی و عدالت پذیری) و عملی (اطاعت پذیری)

حدیث اول: عَنْ مَنْصُورٍ (الصِّقْل) قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ.^۲ منصور گوید امام صادق عليه السلام به من فرمودند: ای منصور این امر (حکومت اهل بیت عليه السلام) به سراغ شما نمی‌آید مگر بعد از نا امیدی.

حدیث دوم: عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلِفَ سَيْفُ بَنِي فُلَانٍ وَ تَضِيقَ الْحَلَقَةُ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ يَلْجَأُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^۳ ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا امام باقر عليه السلام فرموده است: قائم آل محمد عليه السلام دارای دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی‌تر از دیگری است؟ فرمود: آری، و این کار واقع نخواهد شد تا اینکه بنی فلان به روی یک دیگر شمشیر بکشند و حلقه کارزار تنگ شود، و سفیانی ظهور کند و گرفتاری شدت یابد و مردم را مرگ و کشتار فرا گیرد که به حرم خدا و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پناهنده شوند.

آل‌وین تافلر نویسنده کتاب موج سوم در کتاب به سوی تمدن جدید می‌گوید: فهرست مشکلاتی که جامعه‌ی ما (غرب) با آن روبروست، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها،

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۳

۲. کافی، ج ۱، ص: ۳۷۰، ح ۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۷۲، ح ۷

هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند بنیادی، حتی انقلابی اند. اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید که همگی به منظور حل مشکلات تهیه شده اند کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند.^۱

منابع

۱. المهدی سید صدرالدین صدر
۲. مهدی موعود موجود آیت الله جوادی آملی
۳. تاریخ الغيبة الصغری سید محمد صدر
۴. تاریخ عصر غیبت پورسید آقایی و دیگران
۵. أعلام الهدایه مجمع جهانی اهل بیت

۱. نگاهی دوباره به انتظار، ص ۵۴

نقش امام عصر علیه السلام در دوران غیبت

مقدمه

۱. اهل سنت چون مقام امامت را تنها منصبی سیاسی و اجتماعی می‌دانند. منصبی برای اداره جامعه، ایجاد امنیت، تشکیل نیروی نظامی و غیره، این شبهه را مطرح می‌کنند که امام غایب چه سودی دارد؟
۲. برخی شیعیان نیز این سؤال را مطرح می‌کنند زیرا اطلاع کافی از نقش امام ندارند. اگر کارکرد امام درست درک شود هرگز چنین شبهه‌ای مطرح نخواهد شد.
۳. برای دانستن نقش امام غایب ابتدا باید دانست امام چه نقشی در جامعه و جهان هستی دارد. در مرحله بعد بررسی کرد که چه میزان از این نقش‌ها با وقوع غیبت منتفی می‌شود.
۴. اگر تنها مقدار کمی از وظایف امام در اثر غیبت منتفی بود معلوم می‌گردد وجود امام در هر زمان لازم و منشأ اثر است.

کلام شهید مطهری

ما هرگز نباید چنین اشتباهی را مرتکب شویم که تا مسأله امامت در شیعه مطرح شد بگوییم یعنی مسأله حکومت، که در نتیجه مسأله به شکل خیلی ساده‌ای باشد ... و این، اشتباه بسیار بزرگی است که احياناً قدما (بعضی از متکلمین) هم گاهی چنین اشتباهی را مرتکب می‌شدند. امروز این اشتباه خیلی تکرار می‌شود، تا می‌گویند امامت، متوجه مسأله حکومت می‌شوند در حالی که مسأله حکومت از فروع و یکی از شاخه‌های خیلی کوچک مسأله امامت است و این دو را نباید با یکدیگر مخلوط کرد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۴، ص: ۸۵۷)

خورشید پشت ابر

پیامبر صلی الله علیه و آله، امام صادق علیه السلام و خود امام مهدی علیه السلام چگونگی بهره‌مندی از امام غایب را به استفاده از خورشید پس ابر تشبیه کرده‌اند. یعنی اگر نقش خورشید درست درک شود هرگز به ذهن نمی‌رسد که خورشید پس ابر چه فایده‌ای دارد؟ زیرا معلوم می‌گردد ابر در این نقش‌ها تأثیر قابل توجهی ندارد.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۲۵۳، ح ۳: قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ يَقَعُ لِشَيْعَتِهِ الْإِتِّفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ عِ إِى وَ الَّذِى بَعَثَنِى بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ
۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۲۰۷ ح ۲۲: قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۸۳، ح ۴: فَوَرَدَتْ فِي التَّوْقِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ ... وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِى فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.

نقش‌های امام

۱. نقش‌های تکوینی

۲. نقش‌های تشریعی

نقش‌های تکوینی امام

اثر وجود و شخص امام است و همه چه کافر و چه مسلمان بهره‌مند هستند.

۱. واسطه فیض

۲. علت غائی خلقت (هدف آفرینش)

۳. امنیت بخش ساکنان زمین

۱. واسطه فیض

حدیث: کافی، ج ۱، ص: ۱۴۴، ح ۵: مَرْوَانَ بْنَ صَبَّاحٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ ... جَعَلَنَا ... خُزَّانَهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ؛ امام صادق فرمود: خدا ما را ... گنجینه‌دار میان آسمان و زمینش نمود و از برکت وجود ما درختان بارور گردند و میوه‌ها برسند و نهرها جاری شوند و از برکت ما باران از آسمان ببارد و گیاه از زمین بروید.

۲. هدف آفرینش

۱. هدف آفرینش تمام موجودات خدمت به انسان است. سوره لقمان آیه ۲۰ و سوره جاثیه آیه ۱۳: سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را برای شما مسخر کرد.

۲. هدف آفرینش انسان نیز عبودیت است. سوره ذاریات، آیه ۵۶: وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا پرستند.

۳. این هدف جز با امام معصوم تأمین نمی‌شود. کافی، ج ۱، ص: ۱۴۴، ح ۵: مَرْوَانَ بْنَ صَبَّاحٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ ...

بِعِبَادَتِنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبْدَ اللَّهُ؛ امام صادق ﷺ فرمود: به وسیله عبادت ما خدا پرستش شد و اگر ما نبودیم خدا پرستش نمی‌گشت.

۳. امنیت بخش اهل زمین

طبق بیان قرآن خداوند ستارگان را واسطه حفظ آسمان از شیاطین قرار داده است.

سوره صافات آیه ۶ و ۷: إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶) وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷)؛ همانا ماییم که آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم تا هم زینت آن باشد و هم آسمان را از هر شیطان سرکشی حفظ کند.

سوره فصلت آیه ۱۲: وَزَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ و ما آسمان دنیا را به فانوس‌هایی زینت دادیم ستارگانی که هم زینت آسمانند و هم حافظ آن، این است تقدیر خدایی که عزیز و داناست.

روایات شیعه و سنی علاوه بر بیان نقش ستارگان در حفظ آسمان به نقش اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان حافظان زمین نیز اشاره کرده‌اند.

احمد بن حنبل آورده: فضائل الصحابة أحمد بن حنبل (م ۲۴۱)، (۲/ ۶۷۱) حدیث ۱۱۴۵ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْجُومُ أَمَانٌ لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ، إِذَا ذَهَبَتِ الْجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ، فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ».

چند آیه قابل تأمل

آیه اول: النحل: ۶۱ وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ؛ ترجمه: و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می‌کرد، جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین باز پس می‌اندازد، و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند.

آیه دوم: فاطر: ۴۵ وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا؛ و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد، و چون اجلشان فرا رسد خدا به [کار] بندگان بیناست.

آیه سوم: الروم: ۴۱ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ تباهی در خشکی و دریا به سبب کرده‌های مردمان پدیدار شد تا [خداوند جزای] برخی از آنچه کرده‌اند به آنها بچشاند، باشد که باز گردند.

احادیث امان در شیعه

کمال الدین و تمام النعمة: ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴: وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ

حدیث: کافی، ج ۱، ص ۱۷۹ ح ۱۱: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَ تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا قُلْتُ فَإِنَّا نُرَوِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ فَقَالَ لَا لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ؛ محمد بن فضیل گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: زمین بدون امام باقی ماند؟ فرمود: نه، گفتم: برای ما از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که زمین بدون امام باقی نباشد مگر این که خدای تعالی بر اهل زمین یا بر بندگان خشم گیرد، فرمود: نه، باقی نماند، در آن صورت فرو رود.

نقش‌های تشریعی امام

اثر مقام و شخصیت امام است و تنها کسانی از این فوائد بهره می‌برند که زمینه را فراهم کنند.

۱. هدایت باطنی

۲. حفظ دین و هدایت به آن

۳. امید بخشی

۴. تقویت دینداری

۵. فریاد رسی (جامعه و فرد)

۱. هدایت باطنی

آیه: سورة انبياء ، آية ۷۳: وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا.

آیه: سورة سجده آية ۲۴: وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

کلام علامه طباطبایی

از این گونه آیات استفاده می‌شود که امام، علاوه بر ارشاد و هدایت ظاهری، دارای یک نوع هدایت و جذبه معنوی است که از سنخ عالم امر و تجرد می‌باشد. و به وسیله حقیقت و نورانیت و باطن ذاتش، در قلوب شایسته مردم تأثیر و تصرف می‌نماید و آنها را به سویی مرتبه کمال و غایت ایجاد، جذب می‌کند (شیعه در اسلام، پاورقی ص ۱۹۷).

سخن شهید مطهری

امامت، درجه و مرتبه سومی دارد که اوج مفهوم امامت است و کتاب‌های شیعه پر است از این مطلب، ... این مسأله، مسأله «انسان کامل» و به تعبیر دیگر حجت زمان است... از جمله مقامات او تسلط بر ضمائر یعنی دلهاست، بدین معنی که او یک

روح کلی است محیط بر همه روحها... این مطلب جزء اصول مذهب ما شیعیان است و همیشه هم آن را می‌گوییم. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۴، ص: ۸۴۸)

۲. حفظ دین و هدایت به آن در صورت لزوم

الف) حفظ دین

اسلام ناب در قلب امام موجود است تا هرگز کسی نتواند ادعا کند که دین و معارف ناب الهی مخدوش شده و اصل آن دیگر وجود ندارد.

(کافی، ج ۱، ص ۲۲۱) بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ.

حدیث چهارم این باب: عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُنَّةَ أَلْفِ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُرْفَعْ وَ مَا مَاتَ عَالِمٌ فَذَهَبَ عِلْمُهُ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ.

ب) هدایت علمی

آیه اول: سورة نحل آیه ۴۴: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ و این قرآن را به سویی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سویی ایشان نازل شده است توضیح دهی.

آیه دوم: سورة نحل، آیه ۶۴: وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ و ما کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای این که آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنان توضیح دهی.

حدیث: کافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۲: أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ... فَإِنَّ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ؛ زیرا در خاندان ما اهل بیت در هر عصر جانشینان عادل هستند که تغییر دادن غالیان و به خود بستگی خراب‌کاران و بد معنی کردن نادانان را از دین برمی‌دارند.

حدیث: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ح ۳۲: أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ... مِنَ الْحُسَيْنِ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ يَنْفُونَ عَنْ التَّنْزِيلِ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْمُضِلِّينَ تَأْسِيعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

پاسخ به مشکلات علمی: جریان دیدار مقدس اردبیلی (بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۷۴)

بیان اعمال دینی، دعاها و استخاره. (صحیفة مهدیة، نوشته مجتهد سیستانی)

سخن علامه طباطبائی

چنان که از راه عنایت خدایی، لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظایف انسانی را از راه وحی درک نموده به مردم تعلیم کنند، همچنان لازم است که این وظایف انسانی آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود یعنی پیوسته اشخاصی وجود داشته باشند که دین خدا نزدشان محفوظ باشد و در وقت لزوم به مصرف برسد. کسی که متصدی حفظ و نگهداری دین آسمانی است و از جانب خدا به این سمت اختصاص یافته، امام نامیده می شود. (شیعه در اسلام ص ۱۹۰)

۳. امید بخشی و اتمام حجت

الف) امید بخشی

حضور در میان مردم باعث دل گرمی شیعیان است. سخن دارمستتر مستشرق آلمانی در مورد منتظران شهر حله: اگر جنگی در بگیرد همه این مردم آبادی کوچک را می توان کشت اما هرگز نمی توان آنها را تسلیم خود کرد.

ب) اتمام حجت

حضور امام موجب می شود کسی نتواند ادعا کند راهنمائی نبود. و لَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزِيَ (سوره طه آیه ۱۳۴) عَنْ رَزِينِ بْنِ حُبَيْشٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ... وَ قَدْ قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ مِنَ الْوَلِيِّ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ وَلِيُّكُمْ فِي هَذَا الزَّمَانِ عَلِيٌّ ع وَ مِنْ بَعْدِهِ وَصِيُّهُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ عَالِمٌ يَحْتَجُّ اللَّهُ بِهِ لِئَلَّا يَكُونَ كَمَا قَالَ الضَّلَالُ قَبْلَهُمْ حِينَ فَارَقْتَهُمْ أَنْبِيَائُهُمْ رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ... (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ ج ۱، ۴۹۸)

۴. تقویت دین داری

الف) حضور امامی که شاهد اعمال ماست انگیزه ای قوی برای درست عمل کردن است. سوره توبه، آیه ۱۰۵: وَ قُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيَنْبِتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و بگو: «هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان کردار شما را خواهند دید، و به زودی به سویی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید؛ پس شما را به آنچه انجام می دادید آگاه خواهد کرد

کافی، ج ۱، ص ۲۱۹: بَابُ عَرَضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حدیث اول این باب: أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ تَعَرَّضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَأُهَا وَ فَجَّارُهَا فَاحْذَرُوهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ سَكَتَ.

حدیث دوم این باب: سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ رَجُلٌ كَيْفَ نَسُوءُهُ؟ فَقَالَ: أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُّوه.

ب) دعا و استغفار امام در حق مؤمنین که موجب پاکی روح آنان می شود.

حدیث سوم این باب: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبَانٍ الرَّيَّانِيُّ وَ كَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي. فَقَالَ: أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ قَالَ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ. فَقَالَ: لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ قُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.

۵. فریادرسی (جامعه و فرد)

ایفای نقش در موارد لازم

حدیث: الإحتجاج علي أهل اللجاج، ج ۲، ص: ۴۹۷؛ نامه امام عصر عليه السلام به شیخ مفید: إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می آورد و دشمنانتان، شما را از ریشه می کنند.

موارد فریادرسی

الف) جامعه

انار کشور بحرین ، فتوای تحریم تنباکو ، شکستن حکومت نظامی سال ۵۷ در انقلاب اسلامی ایران

ب) فردی

شفا دادن بیماران ، به مقصد رساندن گمشدگان ، کمک مالی به نیازمندان ، رفع مشکلات مردم

منابع

۱. الهیات جلد ۴ آیت الله جعفر سبحانی
۲. المهدی آیت الله سید صدرالدین صدر
۳. حکومت جهانی امام مهدی عليه السلام آیت الله مکارم شیرازی
۴. حکایت غیبت علی اکبر مهدی پور
۵. ترجمه المقنع (امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام) شیخ مفید